Economic Strategy
Center for Strategic Research
https://econrahbord.csr.ir
E-ISSN: 2588-6568
Vol. 15, No. 2, Issue. 57, 2026
Received: 2025/09/13 Accepted: 2026/04/10
Research paper

Assessing the Role of the Iran Center for Exchange (ICE) in Managing the Country's Foreign Exchange System and Proposing Practical Strategies

Mir Saeed kazempour
Ph.D. Candidate, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.
saeed.kazempour@ut.ac.ir 0009-0003-6639-1219

Abstract
Persistent instability in the foreign exchange market over the past decades has been regarded as one of the structural challenges facing Iran's economy. Significant fluctuations in exchange rates, the emergence and expansion of informal markets, the existence of multiple exchange rate regimes, and insufficient coordination among institutions involved in monetary and foreign exchange policymaking have been among the factors that have adversely affected the efficiency of the foreign exchange market and the performance of macroeconomic variables. The continuation of these conditions has highlighted the necessity of reassessing foreign exchange market management mechanisms and adopting coherent, preventive, and regulatory approaches by relevant authorities, particularly the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. In response to this need, the "Iran Center for Exchange (ICE)" was established as an innovative and technology-driven institution with the objective of enhancing transparency in foreign exchange processes, curbing speculative activities, reinforcing the authority of the official exchange rate, and meeting the real needs of foreign trade. Accordingly, the present study employs a SWOT analytical framework to examine the role of this center in managing the country's foreign exchange system from the perspective of Strengths, Opportunity, Weaknesses, and Threats. The findings indicate that the Iran Center for Exchange (ICE) occupies a favorable strategic position, with aggressive strategies (SO) being prioritized. Among these strategies, the approach of "designing formal mechanisms to attract export revenues and the foreign currency holdings of Iranian nationals abroad based on targeted incentives and guaranteed price transparency" emerges as the most effective option with the highest attractiveness score. Implementing this strategy can enhance the center's role in stabilizing the exchange rate by strengthening the supply side of foreign currency, increasing the confidence of economic actors, and reducing the influence of informal markets. It can also contribute to the reform of the country's exchange policy architecture and improve the economy's resilience against external shocks..

Keywords: Iran Center for Exchange (ICE), Exchange Rate Policy, Exchange Rate Volatility, Informal Market, Aggressive Strategies (SO Strategies).

JEL Classification: E44, F31, G15, G18, O16

doi 10.22034/es.2026.546650.1894

راهبرد اقتصادی

سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۵۷)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۱۳۷-۱۷۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۱

مقاله پژوهشی

ارزیابی نقش مرکز مبادله ارز و طلای ایران در مدیریت نظام ارزی کشور و ارائه راهبردهای کاربردی

میرسعید کاظمپور

دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

saeed.kazempour@ut.ac.ir 0009-0003-6639-1219

چکیده

بی‌ثباتی مستمر در بازار ارز طی دهه‌های گذشته، یکی از چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران به شمار می‌رود. نو سانات قابل توجه نرخ ارز، شکل‌گیری و گسترش بازارهای غیر سمی، تعدد نرخ‌های ارزی و فقدان هماهنگی کافی میان نهادهای مرتبط با سیاست‌گذاری پولی و ارزی، از جمله عواملی بوده‌اند که بر کارایی بازار ارز و عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر منفی گذا شته‌اند. تداوم این شرایط، ضرورت بازنگری در سازوکارهای مدیریت بازار ارز و اتخاذ رویکردهای منسجم، پیشگیرانه و تنظیم‌گرانه از سوی نهادهای مسئول -به‌ویژه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران- را بیش از گذشته آشکار ساخته است. در پاسخ به این نیاز "مرکز مبادله ارز و طلای ایران" به‌عنوان نهادی نوین و فناورمحور ایجاد شد تا با هدف شفاف‌سازی فرآیندهای ارزی، کاهش فعالیت‌های سفته‌بازانه، تقویت مرجعیت نرخ رسمی و تأمین نیازهای واقعی تجارت خارجی، نقش یک سکوی تنظیم‌گر را ایفا کند. در این راستا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی SWOT، نقش آن مرکز در مدیریت نظام ارزی کشور را از منظر نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که مرکز مبادله ارز و طلای ایران در یک موقعیت راهبردی مطلوب قرار دارد و راهبردهای تهاجمی (SO) در اولویت نخست هستند. در میان این راهبردها، راهبرد "طراحی سازوکارهای رسمی برای جذب منابع صادراتی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان خارج از کشور مبتنی بر مشوق‌های هدفمند و تضمین شفافیت قیمتی" با بالاترین امتیاز جذابیت، به‌عنوان مؤثرترین گزینه معرفی شده است. اجرای این راهبرد می‌تواند با تقویت سمت عرضه ارز، افزایش اعتماد فعالان اقتصادی و کاهش نقش بازارهای غیر سمی، جایگاه مرکز را در تثبیت نرخ ارز ارتقاء دهد و به اصلاح معماری سیاست ارزی کشور و افزایش تاب‌آوری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: مرکز مبادله ارز و طلای ایران، سیاست ارزی، نوسانات نرخ ارز، بازار غیررسمی، راهبردهای تهاجمی (SO).

طبقه‌بندی JEL: E44, F31, G15, G18, O16

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۶۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

10.22034/es.2026.546650.1894

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله است و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اقتصادی نیست.

مقدمه

بازار ارز در اقتصاد کشورها، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، از جایگاه ویژه‌ای در حفظ ثبات پولی، کنترل فشارهای تورمی، تخصیص بهینه منابع ارزی و ارتقای رفاه عمومی برخوردار است. عملکرد مناسب این بازار، علاوه بر تأثیر مستقیم بر متغیرهای کلان اقتصادی، نقش مهمی در ایجاد اطمینان برای فعالان اقتصادی، تسهیل مبادلات تجاری و تقویت فرآیند تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران ایفا می‌کند.

در اقتصاد ایران، بازار ارز طی سال‌های اخیر تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، از جمله محدودیت‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها، نوسانات درآمدهای ارزی، تغییرات انتظارات اقتصادی، چند نرخی بودن ارز، ضعف در شفافیت فرآیندهای معاملاتی و عدم تعادل میان عرضه و تقاضای ارز، با چالش‌های قابل توجهی مواجه بوده است. استمرار این شرایط موجب افزایش نوسانات نرخ ارز، تقویت فعالیت‌های سوداگرانه، کاهش قابلیت پیش‌بینی برای فعالان اقتصادی و ایجاد فشار بر بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صادرکنندگان، واردکنندگان، نظام تولیدی و مصرف‌کنندگان شده است.

بانک مرکزی به‌عنوان متولی سیاست‌گذاری و مدیریت بازار ارز، مسئولیت تنظیم جریان منابع و مصارف ارزی کشور و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای ارز را بر عهده دارد. این نهاد با استفاده از ابزارهای مختلف سیاستی و اجرایی، تلاش می‌کند ضمن کاهش نوسانات غیرمنطقی نرخ ارز، ثبات اقتصادی را تقویت کرده و زمینه افزایش اعتماد فعالان اقتصادی را فراهم سازد.

با این حال، تجربه دوره‌های مختلف بحران ارزی در کشور نشان می‌دهد که برخی سیاست‌ها و سازوکارهای مورد استفاده در مقاطع گذشته، به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، محدودیت منابع ارزی، شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی و ضعف در برخی زیرساخت‌های معاملاتی، نتوانسته‌اند به‌طور کامل اهداف مورد انتظار در زمینه کنترل نوسانات ارزی و ایجاد ثبات پایدار در بازار ارز را محقق سازند. از این رو، ضرورت اصلاح ساختارهای موجود، افزایش شفافیت معاملات و طراحی سازوکارهای کارآمدتر برای مدیریت منابع و مصارف ارزی، بیش از پیش مورد توجه سیاست‌گذار قرار گرفته است. در سالیان گذشته، پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در کشور در زمینه توجه به مدیریت منابع و مصارف ارزی و آسیب‌شناسی سازوکارهای آن صورت پذیرفته است.

در یکی از این مطالعات، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی در

سال ۱۳۹۷ به تحلیل وضعیت بازار ارز کشور پرداخت و با تشریح علل و ریشه‌های بروز تلاطم حاکم بر این بازار، پیشنهادهایی را جهت برون‌رفت از وضعیت حاکم ارائه نمود که "به رسمیت شمردن بازار آزاد تحت نظارت و مدیریت بانک مرکزی" با هدف بازگشت کلیه درآمدهای ارزی کشور به چرخه اقتصادی یکی از همین پیشنهادات بود.

بررسی مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که وجود یک مرجع قانونی برای نظارت بر معاملات ارزی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش عمق بازار و محدود سازی رفتارهای سفته‌بازانه ایفا کند. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۳ صندوق بین‌المللی پول[1] و گزارش سال ۲۰۲۲ بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی[2]، بخش قابل توجهی از مبادلات ارزی در بسیاری از کشورها در شبکه‌ای از واسطه‌های بزرگ و غیرشفاف تحقق می‌یابد که این امر می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد نوسان بیشتر در قیمت ارزهای خارجی، کاهش رقابت‌پذیری و شکل‌گیری رفتارهای سوداگرانه کنشگران باشد. راهکار نهادهای مزبور، راه‌اندازی سامانه‌های رسمی و متمرکز با نمایش عمق بازار و شفافیت در اعلام لحظه‌ای اطلاعات است و اعتقاد بر این است که این امر، نه‌تنها هزینه مبادلات ارزی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان کشف قیمت عادلانه‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت را نیز فراهم می‌سازد. نهادهای مذکور، طراحی و گسترش این نوع زیرساخت‌ها را سنگ‌بنای توسعه بازار ارز مدرن و ابزاری در جهت پوشش ریسک در اقتصادهای نوظهور معرفی می‌کند.

در همین راستا، راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران در اسفند سال ۱۴۰۱ از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌عنوان یکی از اقدامات جدید در مسیر بازطراحی و ارتقای سازوکارهای مدیریت بازار ارز کشور تلقی کرد. این مرکز با هدف ایجاد بستری منسجم‌تر برای ساماندهی معاملات رسمی ارز و طلا، افزایش شفافیت در فرآیندهای معاملاتی، بهبود سازوکار کشف قیمت و تسهیل تأمین ارز مورد نیاز فعالان اقتصادی، به‌ویژه واردکنندگان کالاها و خدمات، ایجاد شد.

با توجه به شرایط خاص بازار ارز ایران و تأثیرپذیری مستمر آن از عواملی همچون

1 International Monetary Fund (IMF)

2 Bank for International Settlements (BIS)

شـــوک های خارجی، تغییرات انتظارات تورمی، محدودیت های منابع ارزی و فعالیت‌های سوداگرانه، ایجاد سازوکاری شفاف و قابل رصد برای مدیریت جریان‌های ارزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اســـت. در این چارچوب، مرکز مبادله ارز و طلای ایران می‌تواند با تقویت نقش ســـازوکارهای رســـمی معاملات، افزایش قابلیت مشـاهده‌پذیری جریان عرضـه و تقاضـای ارز و فراهم کردن زمینه کشـف قیمت در بستری سازمان‌یافته، به کاهش رفتارهای هیجانی، بهبود کارایی بازار و تقویت ثبات نسبی در بازار ارز کشور کمک نماید. با این حال، پرسش اساسی آن است که این نهاد نوظهور تا چه حد توانســته در مقام اجرا به اهداف مورد انتظار دســت یابد؟ چه نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهایی در عملکرد آن وجود دارد؟ و مهم‌تر از آن، چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه، راهبردهایی برای تقویت نقش این مرکز در مدیریت نظام ارزی کشور طراحی و ارائه نمود؟

با این مقدمه، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی[1] *(AHP)* مدل تحلیل راهبردی ماتریس[2] *SWOT* و ابزار اولویت‌ســـنجی[3] *QSPM*، درصـدد ارزیابی نقش مرکز مبادله ارز و طلای ایران در مدیریت نظام ارزی کشـور و طراحی راهبردهای کاربردی است. ساختار پژوهش بدین‌صورت است که ابتدا ادبیات موضوع شامل وضعیت نظام ارزی ایران و مرکز مبادله ارز و طلای ایران مورد بررسی و مداقه قرار می‌گیرد. سپس پیشینه پژوهشی که ناظر بر ادبیات موضوع است؛ تشریح می‌گردد. در ادامه، روش پژوهش توصـــیف و مراحل انجام آن بیان می‌شـــود. بخش پایانی مطالعه نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی اختصاص می‌یابد.

۱. ادبیات موضوع

۱-۱. تحلیل وضعیت نظام ارزی ایران

در دهه‌های اخیر، نوسانات نرخ ارز به یکی از چالش‌های بنیادین اقتصاد ایران تبدیل شده که نه تنها ثبات کلان اقتصادی را به مخاطره انداخته؛ بلکه اثرات گسترده‌ای بر عملکرد بخش‌های تولید، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری و رفاه عمومی گذاشته است. شواهد مؤید آن است که بازار ارز ایران طی بیش از دو دهه گذشته با نوسانات شدید، دوره‌های مازاد ارزی و بحران‌های کمبود منابع ارزی مواجه بوده اسـت. این نوسـانات

1 Analytical Hierarchy Process (AHP)

2 Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats (SWOT)

3 Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM)

تحت تأثیر عوامل ساختاری، سیاسی، پولی و بین‌المللی نظیر تحریم‌های ظالمانه علیه سیستم پولی و بانکی کشور قرار داشته و در کنار آن، سیاست‌گذاری‌های ناپایدار و بعضاً واکنشی و هیجانی، موجب افزایش آسیب‌پذیری‌های این بازار شده است. مبرهن ا ست برای نیل به ثبات در بازار ارز، شنا سایی علل ریـ شه‌ای بی‌ثباتی، امری ضروری تلقی می‌شود. بخش مهمی از این عوامل به ناترازی منابع و مصارف ارزی کشور و شرایط ژئوپلیتیکی منطقه بازمی‌گردد. در چنین فضایی، انتظارات آتی فعالان اقتصادی تحت تأثیر متغیرهایی خارجی نظیر نتایج مذاکرات بین‌المللی، روابط با شرکای استراتژیک و نوسانات قیمت جهانی نفت و طلا شکل می‌گیرد. در این بخش، روند تاریخی نو سانات بازار ارز از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۴ با تکیه بر داده‌های اقتصادی، تحریم‌ها، سیاست‌های ارزی و متغیرهای پولی بررسی می‌شود.

۱) **دهه ۱۳۷۰:** از سال ۱۳۶۹ و پس از اولین تجربه‌های نظام چند نرخی ارز، گرایش دولت و مقام‌های پولی وقت به سمت آزادسازی ارز و کاهش تعداد نرخ‌ها و درنهایت رسیدن به نرخ ارز واحد معطوف شد که این امر با سیاست‌هایی نظیر حذف پیمان‌سپاری ارزی و ... دنبال می‌شد. در سال ۱۳۷۲ و پس از بهبود شرایط ارزی کشور (متأثر از افزایش سهم فروش ایران در بازار و افزایش قیمت نفت عمدتاً به دلیل «عملیات طوفان صحرا» و «حمله عراق به کویت») سرانجام نرخ ارز واحد و نظام ارزی کشور نیز شناور شد. با این حال، با کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۳ نظام شناور ارز در سال ۱۳۷۴ حذف شد. با تصمیم اوپک برای کاهش عر ضه نفت، قیمت جهانی نفت در سال ۱۳۷۷ افزایش یافت و با بهبود درآمدهای ارزی از سال ۱۳۷۸ نشانه‌هایی از بهبود در بازار ارز مشاهده شد که این امر به کاهش شکاف نرخ ارز آزاد و رسمی در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ کمک کرد (گرشاسبی، ۱۳۹۴).

۲) دهه ۱۳۸۰: در ابتدای دهه ۱۳۸۰، اقتصاد ایران با مازاد ارزی قابل توجهی روبرو بود که عمدتاً ناشی از درآمدهای نفتی در سطح بالا و عدم وجود تحریم‌های بین‌المللی بود. سیا ست تثبیت نرخ ارز از سوی بانک مرکزی، با هدف کنترل تورم و ایجاد مرجع اسمی برای ثبات قیمتی اعمال می‌شد. نظام چند نرخی به‌تدریج به سمت تک‌نرخی شدن سوق یافت و بازار ارز با نوسانات محدود اداره می‌شد. صندوق ذخیره ارزی (صندوق توسعه ملی) نیز در این دهه تأسیس شد.

۳) سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰: در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰، تحولات بازار ارز ایران تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل داخلی و خارجی قرار داشت. در

ابتدای این دوره، افزایش چشـــمگیر درآمدهای نفتی، با تقویت منابع ارزی کشـــور، زمینه رشـــد قابل توجه واردات کالاهای مصـــرفی، واســـطه‌ای و ســـرمایه‌ای را فراهم ساخت. هرچند این وفور منابع ارزی در کوتاه‌مدت به ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز و تأمین نیازهای وارداتی کمک کرد؛ اما در بلندمدت، وابســـتگی اقتصـــاد به درآمدهای نفتی و اتکای فزاینده به منابع ارزی حاصـــل از صـــادرات نفت را تشـــدید نمود و زمینه‌ساز شکل‌گیری آسیب‌پذیری‌های ساختاری در نظام ارزی شد. هم‌زمان، افزایش مخارج دولت، ر شد تقا ضای داخلی و تداوم سیا ست‌های پولی و مالی انب ساطی، به افزایش نقدینگی و تشدید فشارهای تقاضایی در اقتصاد انجامید. در چنین شرایطی، تداوم سیا ست تثبیت نرخ ا سمی ارز، بدون توجه متنا سب به تفاوت میان نرخ تورم داخلی و خارجی، موجب فاصـــله گرفتن تدریجی نرخ رســـمی ارز از عوامل بنیادین تعیین‌کننده آن گردید. این امر ضمن کاهش انعطاف‌پذیری نظام ارزی، زمینه افزایش عدم تعادل میان عرضه و تقاضای ارز را در سال‌های بعد مهیا کرد. با تشدید تدریجی محدودیت‌های مالی و بانکی بین‌المللی در ادامه این دوره، د ستر سی ک شور به منابع ارزی با چالش‌های بی شتری مواجه شد. در این شرایط، اقت صادی که طی سال‌های گذ شته بر پایه درآمدهای بالای نفتی، سطح بالایی از واردات و مصرف منابع ارزی را تجربه کرده بود؛ در برابر محدودیت‌های عرضه ارز آسیب‌پذیری بیشتری از خود نشان داد. بر این ا ساس، ناترازی‌های ارزی این دوره را نمی‌توان صرفاً پیامد عوامل خارجی دانست؛ بلکه این ناترازی حاصل انباشت تدریجی عوامل ساختاری، از جمله وابستگی به درآمدهای نفتی، رشد فزاینده واردات، سیاست‌های مالی و پولی داخلی و درنهایت محدودیت‌های بین‌المللی بود.

۴) ســـال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲: در این بازه، تحریم بانک مرکزی ایران و قطع د ستر سی به سوئیفت، به‌عنوان نقطه عطف بحران ارزی ک شور یاد می شود. در این دوره، فروش نفت به شدت کاهش یافت و حتی ارزهای حا صل از صادرات نیز امکان انتقال به داخل کشور را نداشت. در پی آن، بازارهای غیررسمی و فعالیت‌های دلالانه شکل گرفت و نرخ ارز آزاد از کنترل خارج شد. واکنش‌های مقطعی و سیا ست‌های چندگانه تنها بر پیچیدگی بازار افزود. افزایش انتظارات تورمی و فرار سرمایه از کشور از مهم‌ترین پیامدهای این دوره محسوب می‌شود.

۵) سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵: با آغاز مذاکرات هسته‌ای و امضای معاهده برجام، چشم‌انداز بازار ارز در کشور بهبود یافت. بازگشت بخشی از منابع بلوکه شده، افزایش صـادرات نفت و ورود ارز به کشـور موجب تعادل نسـبی در بازار شـد. دولت و بانک

مرکزی توانستند با کنترل واردات و مدیریت منابع ارزی، ثبات نسبی را حفظ کنند. با این حال، عدم اصلاح ساختارهای بنیادی (مانند تنوع صادرات، کاهش وابستگی به نفت و کنترل نقدینگی) تهدید بالقوه‌ای برای پایداری این ثبات محسوب می‌شد.

۶) سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳: از سال ۱۳۹۶، هم‌زمان با افزایش انتظارات تورمی و خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، روند تضعیف ارزش ریال بار دیگر تشدید شد. تشدید تحریم‌های نفتی و بانکی، محدودیت در دسترسی به منابع ارزی، تداوم وابستگی ساختار مالی دولت به درآمدهای نفتی، ناکامی در متنوع‌سازی منابع صادراتی و رشد مستمر نقدینگی، زمینه را برای شکل‌گیری کمبودهای ساختاری در بازار ارز فراهم کرد. در این دوره، نرخ ارز از حدود ۴ هزار تومان در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۶۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۲ افزایش یافت. هم‌زمان، تداوم نظام چندنرخی ارز شامل نرخ‌های نیما، سنا، آزاد و ترجیحی، به افزایش شکاف‌های قیمتی، ایجاد فرصت‌های رانت، کاهش شفافیت و تضعیف کارایی نظام تخصیص ارز منجر شد. در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، بازار ارز ایران وارد مرحله‌ای از ناپایداری گسترده شد که ماهیتی فراتر از کمبودهای مقطعی یا شوک‌های کوتاه‌مدت داشت. برخلاف دوره‌های پیشین که نوسانات ارزی عمدتاً تحت تأثیر عوامل برون‌زا، نظیر تحریم‌های خارجی یا تغییرات قیمت نفت، قرار داشت، در این دوره هم‌افزایی عوامل ساختاری، نهادی و انتظاری موجب شد مسئله ارز از یک چالش اقتصادی به یک مسئله کلان اقتصادی تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این دوره، تشدید سلطه مالی دولت بر سیاست پولی و ارزی کشور بود. افزایش مستمر کسری بودجه و جبران بخشی از آن از طریق افزایش پایه پولی، به رشد قابل‌توجه نقدینگی و تقویت فشارهای تورمی انجامید. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به درآمدهای ارزی، توان سیاست‌گذار برای مدیریت عرضه ارز را کاهش داد. در چنین شرایطی، ضعف استقلال بانک مرکزی و تقدم نیازهای تأمین مالی دولت بر اهداف ثبات پولی، اثربخشی ابزارهای سیاست ارزی را کاهش داد و فشار تقاضا در بازار ارز را افزایش بخشید. این وضعیت که در ادبیات اقتصادی با عنوان «سلطه مالی» شناخته می‌شود، به تضعیف سازوکارهای کنترل و تثبیت نرخ ارز منجر شد.

در کنار عوامل داخلی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی خارج از کشور نیز نقش مهمی در تشدید فشارهای بازار ارز ایفا کرد؛ بلوکه شدن بخشی از دارایی‌ها و منابع ارزی ایران در کشورهایی مانند چین، عراق، کره جنوبی و هند، ظرفیت و توانایی بانک مرکزی را برای مدیریت انعطاف‌پذیر عرضه ارز محدود ساخت. اگرچه

بخشـــی از این منابع در قالب توافق‌های دوجانبه، تهاتر یا تأمین مالی واردات برخی کالاها مورد اســـتفاده قرار گرفت؛ اما امکان بهره‌برداری کامل و آزادانه از این منابع برای تنظیم بازار ارز فراهم نبود. این محدودیت، در شرایطی که تقاضای ارزی کشور برای واردات مواد اولیه، دارو و کالاهای اساسی افزایش یافته بود، فشار مضاعفی بر سیاست‌گذار ارزی وارد کرد.

علاوه بر عوامل مذکور، سیاست‌های ارزی دولت در این دوره، به‌ویژه تداوم نظام ارز ترجیحی، نقش مهمی در تشدید ناترازی‌های مالی و ارزی ایفا کرد. تخصیص ارز با نرخ های ترجیحی برای برخی گروه های کالایی، اگر چه با هدف حمایت از مصـرف‌کنندگان و کنترل قیمت کالاهای اسـاسـی دنبال شـد؛ اما در عمل تعهدات قابل‌توجهی را متوجه منابع ارزی کشـــور و بانک مرکزی کرد. افزایش فاصـــله میان نرخ های رســـمی و نرخ تعادلی بازار، همراه با محدودیت منابع ارزی، زمینه ایجاد شکاف قیمتی، افزایش تقاضای غیرواقعی و کاهش کارایی سازوکار تخصیص ارز را فراهم ساخت.

همچنین، یکی از ویژگی‌های مهم سیاست ارزی در این دوره، تلاش برای تثبیت نرخ ارز در بازار رســـمی بدون انطباق کافی با متغیرهای بنیادین اقتصـــاد بود. در شـــرایطی که تفاوت میان نرخ تورم داخلی و خارجی، رشـــد نقدینگی، محدودیت دسترسی به منابع ارزی و افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی، فشارهای فزاینده‌ای بر نرخ ارز وارد می‌کرد؛ حفظ نرخ‌های رسمی در سطوح غیرمنطبق با شرایط اقتصادی، به تعمیق شکاف میان بازارهای رسمی و غیررسمی انجامید. این شکاف ضمن کاهش اثربخشی سیاست‌های ارزی، زمینه شکل‌گیری رانت، افزایش تقاضای سفته‌بازانه و تشـدید نوسـانات بازار ارز را فراهم کرد. از سـویی دیگر، بی‌ثباتی در روابط خارجی و انسداد در مسیر مذاکرات هسته‌ای نیز به بدبینی عمومی نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی کشور دامن زد. توقف مذاکرات احیاء برجام، عدم پیوستن ایران به نهادهایی مانند *FATF* و کنوانسـیون پالرمو[1]، تداوم تحریم‌های ظالمانه علیه سـیسـتم بانکی باعث شد سیستم مالی کشور عملاً در انزوا قرار گیرد. نتیجه‌ی این وضعیت، افزایش هزینه نقل‌وانتقال ارز، محدودیت در تأمین نیازهای ارزی از طریق کانال‌های رسمی و افزایش سهم بازارهای موازی و غیر رسمی بود. هم‌زمان، انتظارات تورمی نیز به شدت رو به تزاید گذاشت و موجب شد تقاضای سفته‌بازانه برای ارز (با هدف حفظ ارزش

---

۱ ایران از ۱۵ تیرماه سال ۱۴۰۴ به این کنوانسیون ملحق شد.

دارایی) به یکی از مهم‌ترین عوامل فشار در بازار ارزی ایران تبدیل شود.

با توجه به اینکه تحلیل تحولات بازار ارز صرفاً بر مبنای نرخ ارز و نوسانات آن امکان‌پذیر نیست و نیازمند شناخت ساختار جریان‌های ارزی کشور است؛ هدف از ارائه جدول (۱)، ارزیابی نسبت میان منابع و مصارف ارزی ثبت شده، بررسی ظرفیت‌های بالقوه ارزی کشور و شناسایی ترکیب اصلی جریان‌های ارزی است. همچنین، این جدول به تبیین این موضوع کمک می‌کند که چرا علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قابل‌توجه ارزی، عواملی همچون محدودیت دسترسی به منابع، نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات، خروج سرمایه و سایر ملاحظات نهادی و بازار می‌توانند بر عرضه مؤثر ارز و شرایط بازار تأثیرگذار باشند. همانگونه که ملاحظه می‌شود، در سال ۱۴۰۳ و سه ماه نخست سال ۱۴۰۴، بخش عمده منابع ارزی ثبت شده کشور ناشی از صادرات نفت بوده است؛ و در قسمت مصارف ارزی ثبت شده نیز واردات کالاهای غیرنفتی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. در پایان سال ۱۴۰۳، ارزش صادرات نفتی کشور تقریباً ۱/۵ برابر صادرات غیرنفتی بوده است. مقایسه این رقم با واردات کالاهای غیرنفتی نشان می‌دهد که ارزش ثبت‌شده صادرات نفتی از ظرفیت پوشش حدود ۷۷ درصد ارزش واردات کالاهای غیرنفتی برخوردار بوده است؛ هرچند این مقایسه صرفاً بر مبنای ارزش‌های ثبت شده بوده و الزاماً به معنای دسترسی کامل به منابع ارزی حاصل از صادرات نفتی نیست.

همچنین تراز حساب جاری کشور در سال ۱۴۰۳ و سه ماه نخست سال ۱۴۰۴ به ترتیب برابر با ۱۳/۲۳ و ۵/۴ میلیارد دلار مثبت بوده است. به بیان دیگر، بر اساس داده‌های حساب‌های تراز پرداخت‌ها، اقتصاد کشور در این دوره از منظر حساب جاری با کسری مواجه نبوده و دارای مازاد ثبت‌شده بوده است؛ هرچند این وضعیت الزاماً به معنای دسترسی کامل و بدون محدودیت به منابع ارزی در بازار نیست. از سوی دیگر، همانگونه که از جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود؛ از سال ۱۳۹۹ تا پایان سال ۱۴۰۳ کشور با کسری شدید حساب سرمایه مواجه بوده است. افزون بر آن، تراز حساب سرمایه کشور در ۱۰ سال گذشته منفی بوده است که این موضوع نشان‌دهنده غلبه جریان‌های خروجی بر جریان‌های ورودی در حساب سرمایه کشور است.

جدول ۱. اجزای منابع و مصارف ارزی ثبت شده بر اساس حساب‌های تراز پرداخت‌ها
(میلیون دلار)

منابع ارزی ثبت‌شده			مصارف ارزی ثبت‌شده		
اقلام	سال ۱۴۰۳	۳ ماهه اول سال ۱۴۰۴	اقلام	سال ۱۴۰۳	۳ ماهه اول سال ۱۴۰۴
صادرات نفتی	۶۵,۸۴۱	۱۵,۲۳۲	واردات گاز و فراورده‌های نفتی	۲,۶۷۹	۳۰۲
صادرات کالاهای غیرنفتی	۴۹,۵۸۰	۱۰,۶۹۹	واردات کالاهای غیرنفتی	۸۵,۸۸۸	۱۶,۹۴۸
صادرات خدمات	۱۲,۳۶۱	۳,۰۱۹	واردات خدمات	۲۴,۵۵۵	۵,۸۳۳
دریافت درآمد ارزی	۱,۴۳۴	۳۴۶	پرداخت درآمد ارزی	۲,۶۵۳	۶۹۰
حساب انتقالات جاری (دریافت)	۱,۰۴۹	۲۵۶	حساب انتقالات جاری (پرداخت)	۱,۲۵۸	۳۶۷
			حساب جاری	۱۳,۲۳۲	۵,۴۱۲

مأخذ: بانک مرکزی

لازم به تأکید است که در تحلیل منابع و مصارف ارزی، میان «ارزش صادرات» و «عرضه واقعی ارز به بازار» تناظر کامل و یک‌به‌یک وجود ندارد. ارقام صادراتی مندرج در حساب‌های ملی و تراز پرداخت‌ها، بیانگر ارزش اقتصادی صادرات کالا و خدمات است؛ اما الزاماً به معنای ورود همان میزان ارز به چرخه رسمی اقتصاد کشور نیست. این موضوع در شرایط خاص اقتصاد ایران، به‌ویژه با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی و بانکی، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا عواملی همچون دشواری انتقال وجوه، تأخیر در بازگشت ارز صادراتی، انگیزه‌های نگهداری ارز در خارج از کشور، تهاتر درآمدهای صادراتی و محدودیت دسترسی به شبکه‌های مالی بین‌المللی می‌تواند میان ارزش صادرات و میزان عرضه مؤثر ارز فاصله ایجاد نماید. از این رو، ارقام صادراتی باید به‌عنوان ظرفیت بالقوه ایجاد منابع ارزی (نه الزاماً معادل عرضه تحقق‌یافته ارز در بازار) در نظر گرفته شوند. همین مسئله می‌تواند توضیح‌دهنده شرایطی باشد که در برخی مقاطع، علی‌رغم ثبت مازاد حساب جاری یا تراز تجاری مثبت، بازار ارز همچنان با فشار افزایشی و نوسانات نرخ ارز مواجه بوده است. با توجه به اینکه وضعیت بازار ارز تنها تحت تأثیر جریان‌های جاری ارزی نیست و تحولات

حساب سرمایه نیز می‌تواند بر عرضه و تقاضای ارز اثرگذار باشد. در ادامه بر اساس جدول (۲) روند تراز حساب سرمایه و تراز پرداخت‌های کشور از سال ۱۳۸۱ تا سه ماه نخست سال ۱۴۰۴ بررسی می‌شود.

جدول ۲. تراز حساب جاری، حساب سرمایه کشور و تراز پرداخت‌ها (میلیون دلار)

سال	تراز حساب جاری	تراز حساب سرمایه	تراز پرداخت‌ها[1] (تغییر در ذخایر ارزی بین‌المللی)
۱۳۸۱	۳,۵۸۵	۲,۵۳۳	۴,۶۶۷
۱۳۸۲	۸۱۶	۴,۴۷۶	۳,۷۱۰
۱۳۸۳	۱,۴۴۲	۷,۳۸۸	۸,۷۳۱
۱۳۸۴	۱۴,۰۳۷	-۴۱۱	۱۳,۵۷۴
۱۳۸۵	۲۰,۵۸۵	-۶,۳۰۶	۱۱,۳۸۹
۱۳۸۶	۳۲,۵۹۴	-۱۳,۵۹۷	۱۵,۲۵۴
۱۳۸۷	۲۲,۹۰۳	-۹,۹۵۸	۸,۲۲۹
۱۳۸۸	۱۰,۲۸۲	-۱۳,۵۲۹	-۷,۲۶۸
۱۳۸۹	۲۷,۵۵۴	-۲۵,۲۴۲	-۹۴۷
۱۳۹۰	۵۹,۷۸۷	-۱۷,۲۱۴	۲۱,۴۳۶
۱۳۹۱	۲۶,۲۷۱	-۹,۸۳۵	۱۲,۲۱۳
۱۳۹۲	۲۵,۱۰۵	-۹,۳۲۱	۱۳,۱۸۹
۱۳۹۳	۱۳,۵۷۱	۵۵۹	۸,۵۶۱
۱۳۹۴	۱,۲۳۷	۲,۳۴۶	۲,۲۳۳
۱۳۹۵	۱۶,۳۸۸	-۱۸,۲۸۸	-۷,۶۶۶
۱۳۹۶	۱۵,۸۱۶	-۱۹,۳۲۱	-۸,۱۴۰
۱۳۹۷	۲۶,۲۴۱	-۹,۹۳۵	۹,۸۸۰
۱۳۹۸	-۱,۶۵۲	-۲۴۹	۶۷۱
۱۳۹۹	-۷۰۸	-۶,۳۱۸	-۲,۶۴۱
۱۴۰۰	۱۱,۱۴۴	-۹,۳۳۳	۸۹۵

۱ تراز پرداخت‌ها از جمع جبری تراز حساب جاری، تراز حساب سرمایه و اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها به دست می‌آید. از قلم افتادگی و اشتباهات آماری نقش ترازکننده را در تراز پرداخت‌ها ایفا می‌کند. ذکر این نکته نیز ضروری است اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها به‌صورت خالص اعلام می‌شود. خالص اشتباهات و از قلم افتادگی‌ها در نتیجه کم‌نمایی و بیش‌نمایی اقلام تجارت خارجی، کم‌نمایی در میزان تجارت غیرقانونی (قاچاق)، وجود نرخ‌های چندگانه ثبت عملیات ارزی و ... است.

سال	تراز حساب جاری	تراز حساب سرمایه	تراز پرداخت‌ها[1] (تغییر در ذخایر ارزی بین‌المللی)
۱۴۰۱	۱۴,۲۰۵	-۱۵,۰۶۹	۴,۰۳۳
۱۴۰۲	۸,۵۹۲	-۱۹,۸۸۲	-۱۱۲
۱۴۰۳	۱۳,۲۳۲	-۲۰,۷۱۴	۸۰۴
۱۴۰۴:۱	۵,۴۱۲	-۸,۹۳۰	۹۶۵

مأخذ: همان

بررسی روند حساب سرمایه نشان می‌دهد که علی‌رغم ثبت مازاد حساب جاری در بخش قابل‌توجهی از سال‌های مورد بررسی، تداوم کسری حساب سرمایه بیانگر وجود فشارهای خروجی در جریان‌های مالی کشور است؛ موضوعی که می‌تواند از طریق افزایش تقاضای احتیاطی ارز و تشدید انتظارات افزایشی در بازار، بر تحولات بازار ارز اثرگذار باشد. با هدف مشاهده بهتر اطلاعات مندرج در جدول (۲)، شکل (۱) ترسیم شده است.

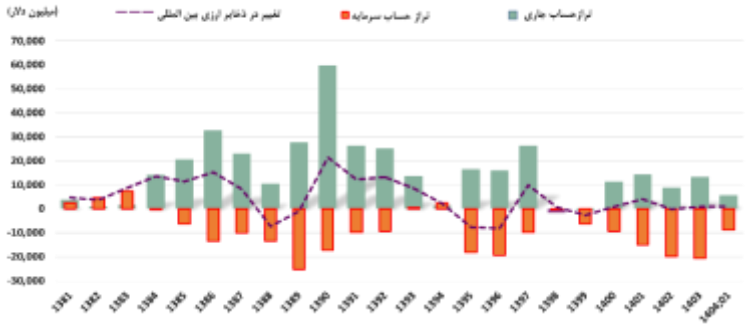

شکل ۱. وضعیت تراز حساب جاری، حساب سرمایه کشور و تراز پرداخت‌های کشور
مأخذ: همان

۱-۲. سیر تحول سازوکارهای مدیریت و تخصیص ارز در ایران

بازار ارز ایران طی سال‌های گذشته همواره یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی کشور بوده است. عواملی همچون نوسانات نرخ ارز، محدودیت دسترسی به منابع ارزی، تغییرات درآمدهای ارزی حاصل از صادرات، شرایط تحریمی و ضرورت تأمین ارز مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، موجب شده است که سیاست‌گذار

ارزی در دوره های مختلف، مجموعه‌ای از ابزار ها و ســـازو کار های اجرایی را برای مدیریت عرضـه و تقاضـای ارز، سـاماندهی معاملات و تخصـیص هدفمند منابع ارزی طراحی و اجرا کند. برخلاف برخی برداشـــت‌ها، پیش از راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلای ایران، نظام مدیریت و تخصیص ارز کشور از ساختار اجرایی مشخصی برخوردار بود. در این ادوار، بانک مرکزی با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از ســیاســت‌ها، مقررات و سـامانه‌های اطلاعاتی و عملیاتی، فرآیند ثبت درخواسـت‌های ارزی، بررسـی نیازهای متقاضـــیان، اولویت‌بندی مصـــارف و تخصـــیص منابع ارزی را مدیریت می‌کرد. سامانه‌هایی مانند پورتال ارزی، سامانه جامع تجارت، سامانه نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیما) و سامانه نظارت ارز (سنا)، هر یک بخ شی از فرآیند مدیریت بازار ارز را پوشش می‌دادند و نقش مشخصی در زنجیره تأمین، نظارت و تخصیص ارز کشور ایفا می‌کردند.

در این چارچوب، تخصـیص ارز بر اسـاس نوع مصـرف، اولویت‌های اقتصـادی و سیا ست‌های حمایتی انجام می شد. کالاهای ا سا سی، دارو و اقلام ضروری، با هدف حفظ امنیت غذایی، حمایت از سلامت عمومی و کاهش آثار نوسانات ارزی بر معیشت خانوارها، در چارچوب سـیاسـت‌های حمایتی بانک مرکزی تأمین ارز می‌شـدند. در مقابل، بخش عمده‌ای از ارز مورد نیاز واردات تجاری، مواد اولیه تولید، ما شین‌آلات و کالاهای سرمایه‌ای از طریق سازوکارهای مرتبط با ارز تجاری و سامانه‌های معاملاتی تحت نظارت بانک مرکزی مدیریت می‌شد.

یکی از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی در راستای ساماندهی جریان ارز مرتبط با تجارت خارجی، راه‌اندازی سامانه نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیما) در سال ۱۳۹۷ بود. این سـامانه با هدف ایجاد بسـتری رسـمی برای ارتباط میان عرضـه‌کنندگان و متقاضـیان ارز، تقویت بازگشـت ارز حاصـل از صـادرات و تسـهیل فرآیند تأمین ارز واردکنندگان ایجاد شـد. در چارچوب این سـامانه، صـادرکنندگان موظف بودند ارز حا صل از صادرات خود را در یک سازوکار ر سمی عر ضه نمایند و واردکنندگان نیز پس از طی فرآیندهای قانونی مربوط به ثبت سفارش و دریافت تأییدیه‌های لازم، نیاز ارزی خود را از طریق این بسـتر تأمین می‌کردند. به این ترتیب، سـامانه نیما امکان نظارت بیشـتر بانک مرکزی بر جریان ارز تجارت خارجی را فراهم می‌سـاخت و نقش مهمی در افزایش شفافیت معاملات رسمی، ساماندهی عرضه ارز صادراتی و مدیریت منابع ارزی کشور ایفا می‌کرد.

با وجود نقش مهم سامانه نیما در مدیریت ارز تجارت خارجی، تجربه عملیاتی آن

نشان داد که مدیریت بازار ارز در اقتصاد ایران با چالش‌هایی فراتر از ایجاد یک بستر معاملاتی مواجه است. محدودیت در فرآیند کشف قیمت، فاصله میان نرخ‌های رسمی و نرخ بازار غیررسمی، تغییرات مستمر مقررات ارزی و برخی مشکلات اجرایی در تعامل میان صادرکنندگان و واردکنندگان، از جمله عواملی بود که ضرورت بازنگری در سازوکارهای موجود را مطرح کرد. بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده، در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۱/۳ میلیارد یورو ارز صادراتی در سامانه نیما عرضه و حدود ۹/۵ میلیارد یورو ارز برای واردات خریداری شد که این موضوع بیانگر نقش قابل توجه این سامانه در مدیریت جریان رسمی ارز کشور بود.

در کنار سامانه نیما، سامانه نظارت ارز (سنا) نیز با هدفی متفاوت و عمدتاً نظارتی ایجاد شد. این سامانه برخلاف سامانه نیما که بر مدیریت جریان ارز مرتبط با صادرات و واردات تمرکز داشت؛ به منظور ثبت، پایش و نظارت بر معاملات ارزی انجام شده توسط صرافی‌های مجاز، مورد استفاده قرار می‌گرفت. بر اساس مقررات بانک مرکزی، صرافی‌ها موظف بودند اطلاعات معاملات روزانه خود را در این سامانه ثبت کنند تا امکان نظارت بر عملکرد شبکه رسمی صرافی‌ها، رصد حجم معاملات و استخراج اطلاعات مربوط به نرخ‌های معاملاتی فراهم شود؛ بنابراین، سامانه سنا را نمی‌توان سازوکاری برای تخصیص ارز تجارت خارجی دانست؛ بلکه این سامانه ابزاری اطلاعاتی برای افزایش شفافیت، کنترل فعالیت صرافی‌ها و تقویت نظارت بانک مرکزی بر بازار رسمی ارز محسوب می‌شد. به بیان دیگر، درحالی‌که سامانه نیما بر ارتباط میان صادرکنندگان و واردکنندگان و مدیریت ارز تجارت خارجی تمرکز داشت؛ سنا وظیفه ثبت و پایش معاملات ارزی در شبکه رسمی داخلی را بر عهده داشت.

با توجه به تجربه حاصل از فعالیت این سامانه‌ها و تغییر شرایط اقتصادی کشور، ضرورت ایجاد سازوکاری که بتواند ضمن حفظ نظارت بانک مرکزی، هماهنگی بیشتری میان بخش‌های مختلف بازار رسمی ارز ایجاد کرده و فرآیند کشف قیمت را شفاف‌تر کند، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا، مرکز مبادله ارز و طلای ایران در اسفند سال ۱۴۰۱ تأسیس شد.

ایجاد مرکز مبادله ارز و طلای ایران را نباید به معنای آغاز نظام تخصیص ارز یا حذف کامل سازوکارهای پیشین تلقی کرد؛ بلکه تأسیس این مرکز مرحله‌ای جدید در مسیر تحول نظام ارزی کشور محسوب می‌شود که با هدف افزایش شفافیت معاملات رسمی، بهبود فرآیند کشف قیمت، انسجام‌بخشی به بازار رسمی ارز و ارتقای کارایی سازوکارهای تأمین ارز ایجاد شده است. مرکز مبادله ارز و طلای ایران عمدتاً

بر مدیریت بخشـــی از معاملات رســـمی ارز، به‌ویژه ارز تجاری تمرکز دارد. در این چارچوب، ارز مورد نیاز واردات تجاری، مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای غیرحمایتی از طریق ســازوکارهای تعریف شــده در این مرکز تأمین می‌شــود و صــادرکنندگان بخش‌های مختلف اقتصــادی نیز ارز حاصــل از صــادرات خود را در این بســتر عرضــه می‌کنند. تفاوت اصلی این سازوکار با سامانه نیما در آن است که در مرکز مبادله ارز و طلای ایران تلاش شده است نقش سازوکار عرضه و تقاضا در فرآیند تعیین نرخ ارز تجاری افزایش یابد و معاملات در بستری شفاف‌تر و قابل رصد انجام شود.

با این حال، کارســازی تمامی فرآیندهای ارزی (با اولویت تأمین بالا) همچنان در چارچوب سیاست‌های حمایتی بانک مرکزی و سازوکارهای اختصاصی مربوط به این گروه‌ها انجام می شود؛ بنابراین، مرکز مبادله را باید بخشی از ساختار جامع مدیریت ارز کشور دانست که در کنار (نه جایگزین کامل) سایر ابزارهای سیاست‌گذاری ارزی فعالیت می‌کند.

در مجموع، سیر تطور از سامانه نیما به مرکز مبادله ارز و طلای ایران را می‌توان بخشی از فرآیند اصلاح و تکامل نظام ارزی کشور قلمداد کرد؛ فرآیندی که هدف آن افزایش شــفافیت، تقویت نقش ســازوکارهای معاملاتی، بهبود کشــف قیمت و کاهش برخی نارســایی‌های موجود در مدیریت بازار ارز اســت. با این حال، ارزیابی دقیق آثار این مرکز، نیازمند بررســـی عملکرد آن در یک دوره زمانی کافی و تحلیل هم‌زمان متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر بر بازار ارز خواهد بود.

در ســـطح عملیاتی، مرکز مبادله ارز و طلای ایران وظیفه دارد کلیه تقاضـــاهای ارزی را در قالب سامانه‌های تعریف‌شده تجمیع، ثبت و پردازش کرده و با اولویت‌بندی مصارف مختلف نظیر واردات کالاهای اساسی، نسبت به تخصیص ارز اقدام نماید. در این مســـیر، مرکز با اســـتفاده از ظرفیت بانک‌های عامل و کارگزاری‌های مجاز، فرایند اجرایی تأمین و انتقال ارز را ســامان می‌دهد و در عین حال با تجزیه‌وتحلیل داده‌های بازار، ســیاســت‌گذاران ارزی را در اتخاذ تصــمیم‌های دقیق‌تر یاری می‌کند. عرضــه ارزهای حاصــل از صــادرات غیرنفتی نیز از طریق این مرکز انجام می‌گیرد تا ضمن تأمین نیازهای وارداتی، تراز ارزی کشور به صورت پایدارتری تنظیم شود. باید توجه داشت که مرکز مبادله ارز و طلا نه‌تنها بستر اجرای سیاست‌های ارزی و پولی دولت اســت، بلکه ابزاری در جهت جلوگیری از ریســک‌های ارزی و افزایش تاب‌آوری اقتصـــاد در برابر شـــوک‌های بیرونی محســـوب می‌شـــود. بدیهی اســـت که در کنار مزیت‌هایی که برای این مرکز مترتب است، به دلیل نوپا بودن آن، برخی ضعف‌ها نیز

وجود دارد.

بررسی روند تخصیص ارز توسط بانک مرکزی از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ۱۱ آذرماه سال ۱۴۰۴، مؤید این موضوع است که در بازه زمانی موصوف، مجموع ۴۰ میلیارد و ۱۹۴ میلیون دلار برای تأمین نیازهای وارداتی کشور پرداخت شده است. این رقم، ضمن بازتاب‌دهنده شدت وابستگی ساختار تولید و تجارت کشور به نهاده‌ها و کالاهای وارداتی، نمایانگر نقش سیاست ارزی در مدیریت تراز پرداخت‌ها، کنترل فشارهای قیمتی و ثبات‌بخشی به بازارهای کالایی است.

همانگونه که در تحلیل ترکیب تخصیص‌ها در شکل (۲) مشاهده می‌شود؛ در بازه زمانی مورد بررسی، در مجموع به میزان ۸ میلیارد و ۶۴۰ میلیون دلار (معادل بیش از ۲۰ درصد کل ارز تخصیص‌یافته) به واردات کالاهای اساسی و حوزه سلامت اختصاص یافته است. این بخش شامل ۶ میلیارد و ۵۹۸ میلیون دلار برای نهاده‌های کشاورزی و تولیدی و ۲ میلیارد و ۴۲ میلیون دلار برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی است. تمرکز بر این دو گروه کالایی، نشان‌دهنده جهت‌گیری سیاست‌گذار به سمت حفظ امنیت غذایی، کنترل قیمت نهاده‌های تولید و جلوگیری از اختلال در زنجیره تأمین سلامت است؛ امری که در شرایط تورمی و نوسانات نرخ ارز، از منظر اقتصاد رفاه و تاب‌آوری اجتماعی اهمیتی دوچندان می‌یابد. همچنین تخصیص یک میلیارد و ۲۹۴ میلیون دلار برای تقویت ذخایر راهبردی، در چارچوب مدیریت ریسک‌های کلان و افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی به شوک‌های بیرونی، قابل تفسیر است. این اقدام می‌تواند اثر تعدیل‌کننده بر نوسانات آتی بازار کالاهای حیاتی داشته باشد و از فشارهای کوتاه‌مدت بر نرخ ارز نیز بکاهد.

در حوزه واردات کالاهای تجاری و بازرگانی نیز در مجموع به میزان ۲۹ میلیارد و ۲۴۸ میلیون دلار ارز تخصیص یافته است. توزیع این منابع نشان می‌دهد که صنایع حمل‌ونقل و خودرو با ۵ میلیارد و ۹۵۷ میلیون دلار بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و پس از آن، صنایع تجهیزات برق و الکترونیک با ۴ میلیارد و ۳۳ میلیون دلار قرار دارند. افزون بر آن، ۳ میلیارد و ۵۰۶ میلیون دلار برای ماشین‌آلات و تجهیزات تولید، ۲ میلیارد و ۹۷۱ میلیون دلار برای صنایع شیمیایی و پلیمری و ۲ میلیارد و ۴۲ میلیون دلار برای صنایع معدنی تأمین شده است. این ساختار تخصیص ارزی، بازتاب‌دهنده نیازهای بخش تولید و تجارت و تلاش برای حفظ پیوستگی فعالیت بنگاه‌های صنعتی است.

ساختار فوق نشان می‌دهد که صنایع دارای پیوندهای پسین و پیشین گسترده

در اقتصـاد، سـهم عمده‌ای از تأمین ارز را به خود اختصـاص داده‌اند. این وضـعیت می‌تواند از منظر اقتصاد صنعتی به تداوم فعالیت خطوط تولید، کاهش ریسک توقف فرآیندهای صـنعتی و حفظ سـطح اشـتغال منجر شـود؛ هرچند وابسـتگی بالای این صنایع به ارز، حساسیت آنها را نسبت به شوک‌های خارجی و نوسانات ارزی افزایش می‌دهد.

درنهایت، تخصیص یک میلیارد و ۱۲ میلیون دلار برای مصارف خدماتی شامل نیازهای مسافرتی، دانشجویی و درمانی، بیانگر سهم قابل‌توجه تقاضای خدماتی در بازار ارز و نقش آن در شکل‌دهی به جریان‌های ارزی خرد است.

در مجموع، داده‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که سیاست ارزی در دوره مذکور، با رویکردی ترکیبی از ثبات‌بخشـی، کنترل فشـارهای تورمی، حمایت از بخش‌های حیاتی و پشتیبانی از تولید صنعتی دنبال شده است. با این حال، استمرار این سطح از تخصیص ارز، ضرورت توجه به تقویت درآمدهای ارزی پایدار، تنوع‌بخشی به منابع تأمین ارز و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی را بیش از گذشته نمایان می‌سازد.

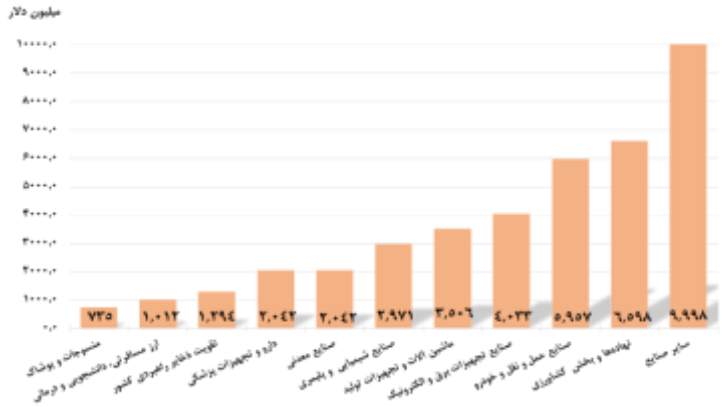

شکل ۲. ترکیب تخصیص ارز برای تأمین نیازهای وارداتی کشور (از اول فروردین ۱۴۰۴ تا ۱۱ آذرماه ۱۴۰۴)

مأخذ: همان

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش در حوزه سـیاسـت‌گذاری ارزی به‌ویژه در زمینه طراحی نهادهای واسـط و

بازارهای رسمی ارز، همواره یکی از محورهای مورد توجه محافل علمی و محققان اقتصادی بوده است. مطالعات داخلی و بین‌المللی مختلف، بر اهمیت وجود نهادهای تنظیم‌گر رسمی در ارتقاء شفافیت، کاهش نوسانات بازار ارز، بهبود تخصیص منابع ارزی و ارتقاء تاب‌آوری نظام بانکی تأکید داشته‌اند. در این بخش مطالعاتی که قرابت زیادی به پژوهش حاضر دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در میان پژوهش های داخلی، باقری و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه خود به آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت بازار ارز با استفاده از روش فراترکیب پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اثرپذیری بالای نرخ ارز از بازارهای منطقه‌ای، ورود مستقیم درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به بودجه دولت، اتکا به برخی راهکارهای منقضی شده دهه‌های قبلی، سیاست اعطای ارز ترجیحی و مداخله‌های مستقیم بانک مرکزی از مهمترین چالش‌های مدیریت بازار ارز در ایران هستند.

باقرپور اسکویی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی وضعیت منابع و مصارف ارزی در کشور ایران پرداخت و اقداماتی نظیر اولویت‌بندی تخصیص ارز به کالاهای وارداتی، جلوگیری از خروج ارز از کشور، استقلال نرخ ارز از بودجه، اهتمام به تولید داخلی، الزام به برگشت ارز تمام صادرکنندگان خرد و کلان، انتقال جریان ارزی شرکت‌های تراستی به کشور را پیشنهاد کرد.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۹۷ طی پژوهشی به تحلیل وضعیت بازار ارز کشور پرداخت و با تشریح علل و ریشه‌های بروز تلاطم حاکم بر این بازار، پیشنهادهایی را ارائه نمود که "به رسمیت شمردن بازار آزاد تحت نظارت و مدیریت بانک مرکزی" با هدف بازگشت کلیه درآمدهای ارزی کشور به چرخه اقتصادی یکی از همین پیشنهادات بود.

توکلیان و توکلیان (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی علل نوسانات ارزی، تبیین نظام ارزی و راهکارهای مناسب جهت مدیریت منابع و مصارف ارزی در کشور ایران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که تنها اعمال تحریم‌های اقتصادی ظالمانه، عامل نوسانات ارزی در کشور نبوده است؛ بلکه عوامل اقتصادی نظیر تورم، صادرات نفتی، کسری بودجه و سیاست‌های پولی نیز بر نرخ ارز حقیقی تأثیر داشته است. این مقاله راهکارهایی برای تسهیل و افزایش صادرات و مدیریت مصارف ارزی در دوران تحریم پیشنهاد داده است و نقش بازارهای رسمی ارز را در مهار شکاف‌های قیمتی و کاهش دامنه نوسانات مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گیری کرده است که افزایش شفافیت و ایجاد نظام متمرکز کشف نرخ، اثرات مثبتی بر ثبات بازار دارد.

گر شا سبی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش مرکز مبادلات ارزی در مدیریت آ ثار تحریم در بخش واردات»، مهمترین ســـیاســـت عمومی دولت برای مقابله با تحریم‌هـا را بررســـی نموده اســـت. تـأخیر در راه‌انـدازی مرکز مبـادلات ارزی، عدم پایبندی برخی شرکت‌های دولتی به عرضه ارز در مرکز، فقدان نظام انتقال ارز و ملاک‌های کشف قیمت از مهم‌ترین مشکلات در ارتباطات با مرکز مبادلات ارزی بوده است.

در سـطح بین‌المللی، همانگونه که بیان شـد؛ صـندوق بین‌المللی پول در گزارش سال (۲۰۲۳) خود ا شاره می‌کند که پلتفرم‌های ر سمی، با تمرکز عر ضه و تقا ضا و کاهش پراکندگی بازار، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در کمک به کشـــف قیمت رقابتی و شـفاف، فرونشـاندن نوسـانات کوتاه‌مدت و جلوگیری از شـوک‌های قیمتی داشته باشند. این پلتفرم‌ها با افشای عمومی اطلاعات مربوط به سفارش‌ها، قیمت‌های انجام‌شـــده و عمق بازار، اجازه شـــکل‌گیری انتظارات مبنی بر نرخ‌های غیرواقعی را کاهش داده و زمینه را برای رفتار عقلایی‌تر کنشگران اقتصادی فراهم می‌کنند.

گزارش بانک تســـویه حســـاب‌های بین‌المللی (۲۰۲۲) نیز بیان می‌کند که پلتفرم‌های الکترونیک با انتشار داده‌های لحظه‌ای، گزارش عمق بازار و حجم سفارش فعالان اقتصادی، موجب کاهش تفاوت بین نرخ رسمی و غیررسمی ارز می‌شوند. این یافته ها نشـــان می‌دهد که مرکز مبادله ارز و طلای ایران نیز می‌تواند با تقویت زیرساخت‌های داده‌محور، نقش مؤثرتری در کشف قیمت ایفا کند.

کروگمن و آبستفلد[1] (۲۰۱۸) و میشکین[2] (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر نهادهای ارزی شفاف و فناوری‌محور بر اثربخ شی سیا ست‌های ارزی و ثبات مالی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نیز ن شان می‌دهد که نهادهای تنظیم‌گر ارز در صورتی‌که از فناوری‌های نوین مالی[3] بهره‌مند با شند و با زیر ساخت‌های نظارتی و اطلاعاتی قوی همراه شوند، می‌توانند به‌عنوان بازوی مؤثر در اعمال سیا ست‌های پولی و ارزی ک شور ایفای نقش نمایند.

طبق مبانی مطرح شده در پژوهش کینک و همکاران[4] (۲۰۱۳)، شفافیت در بازار ارز و د ستر سی برابر همگان به اطلاعات معاملاتی، نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و محدود کردن فعالیت ســـفته‌بازی دارد. این یافته نظری اهمیت انتشـــار

1 Krugman & Obstfeld, (2018)

2 Mishkin, (2021)

3 FinTech

4 King, Osler & Rime (2013)

داده‌های لحظه‌ای در مرکز مبادله ارز و طلای ایران نیز را برجسته می‌سازد.

بر اســـاس پژوهش باچتا و وینکوپ[1] (۲۰۰۶) بخش قابل توجهی از بی‌ثباتی نرخ ارز ناشـــی از ناکارآمدی ســـاختار اطلاعاتی بازار و تحلیل ناقص داده‌ها اســـت. از این منظر، پلتفرم‌هایی که داده‌های کامل‌تر و شفاف‌تری ارائه می‌کنند، نقش مؤثرتری در شکل‌گیری نرخ‌های قابل اتکا دارند.

مطابق مطالعه اوسلر[2] (۲۰۰۳) دلالت بر آن دارد که وقتی روند تقاضا و عمق بازار ارز شفاف نباشد؛ واکنش‌های هیجانی و سفته‌بازانه کنشگران شدت می‌گیرد و متعاقباً نوســـانات نرخ ارز نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین ایجاد یک بســـتر رســـمی با داده‌های شفاف می‌تواند رفتارهای سوداگرانه فعالان ارزی را در بازار غیررسمی کاهش دهد.

بر اســـاس مطالعه ایونس و لیونس[3] (۲۰۰۲)، جریان تقاضـــای ارز مهم‌ترین حامل اطلاعات در بازار ارز بوده و بخش قابل توجهی از تغییرات نرخ ارز ناشـــی از رفتار معاملاتی و حجم واقعی خرید و فروش اســـت؛ بنابراین شـــفافیت در جریان ســـفارش‌گذاری[4] می‌تواند کارایی کشـــف قیمت واقعی ارز را افزایش دهد. بررســـی تطبیقی نشـــان می‌دهد در بازار ارز ایران که همواره تحت تأثیر شـــوک‌های بیرونی، انتظارات تورمی و فعالیت‌های سوداگرانه قرار داشته است؛ مرکز مبادله ارز و طلای ایران می‌تواند چنین نقشی را ایفاء کند و به کاهش هیجانات کوتاه‌مدت و ثبات‌بخشی نسبی کمک نماید.

با این حال، با توجه به نوپا بودن مرکز مبادله ارز و طلای ایران، تاکنون پژوهش جامع و مســـتقلی درباره تحلیل چندبعدی عملکرد آن بر اســـاس مدل‌های راهبردی مشاهده نشده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای تحلیلی *SWOT* و *QSPM* و *AHP* برای نخســـتین بار به ارزیابی نقش آن مرکز در مدیریت نظام ارزی کشور و ارائه راهبردهای کاربردی می‌پردازد و از این منظر دارای وجه تسمیه با سایر پژوهش‌های پیشین، است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی اسنادی–میدانی است. برای

1 Bacchetta & Van Wincoop (2006)

2 Osler (2003)

3 Evans & Lyons (2002)

4 Order Flow

این منظور از روش فراترکیب بهره گرفته می‌شود که طی آن پژوهش، نظرات و یافته‌های مشابهی که در زمینه مطالعه مورد نظر وجود دارد و دربردارنده نتایج منحصربه‌فردی بوده‌اند؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف این نوشتار، ارزیابی نقش مرکز مبادله ارز و طلای ایران در مدیریت نظام ارزی کشور و ارائه راهبردهای کاربردی با بهره‌گیری از مدل *SWOT* است. مدل مزبور، یکی از پرکاربردترین ابزارهای تحلیل راهبردی در علوم مدیریت، اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. این چارچوب تحلیلی به‌ویژه در حوزه برنامه‌ریزی راهبردی و سیاست‌گذاری، کاربرد فراوان دارد و به پژوهشگران این امکان را فراهم می‌آورد تا درکی جامع از ظرفیت‌های درونی و شرایط محیطی داشته باشند و با اتخاذ راهبردهای مناسب در جهت بهبود پروژه، اقدام‌های لازم را مبذول نمایند. واژه *SWOT* از حروف اول چهار واژه انگلیسی *(Strengths)* نقاط قوت، *(Weaknesses)* نقاط ضعف، *(Opportunities)* فرصت‌ها و *(Threats)* تهدیدها منبعث شده است (سیدی و همکاران، ۱۳۹۸).

عوامل داخلی شامل نقاط قوت و ضعف است که به ویژگی‌ها و منابع داخلی سازمان، اعم از ساختار، عملکرد، سرمایه انسانی، منابع مالی، فناوری، فرآیندها و فرهنگ سازمانی مربوط می‌شود. این عوامل در کنترل مستقیم نهاد مورد تحلیل قرار دارند و می‌توان با مدیریت صحیح بر آن‌ها اثر گذاشت. عوامل بیرونی نیز شامل مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدهایی است که ناظر بر متغیرهای محیطی خارج از کنترل مستقیم سازمان مانند تغییرات اقتصادی، سیاسی، فناورانه، حقوقی، اجتماعی، رقابت‌های بازار و تحولات جهانی است. شناخت دقیق این عوامل، امکان پیش‌بینی آینده و انطباق راهبردی را فراهم می‌سازد (برنرویدر[1]، ۲۰۱۱).

به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر عملکرد مرکز مبادله ارز و طلای ایران، از دیدگاه خبرگان حوزه پولی و ارزی کشور استفاده شد. جامعه خبرگان این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان ارشد حوزه ارزی، متخصصان شبکه بانکی، صاحب‌نظران بازار ارز و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مرتبط با حوزه اقتصاد و مالی بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند و بر اساس معیارهایی همچون تخصص، تجربه اجرایی و آشنایی با سیاست‌های ارزی کشور انجام گرفت.

پس از شناسایی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و

1 Bernroider, E. (2011)

تهدیدها)، به‌منظور تعیین اهمیت نسبی هر یک از عوامل، از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (*AHP*) استفاده شد. در این روش، عوامل شناسایی شده به صورت زوجی توسط خبرگان مقایسه و میزان اهمیت نسبی آن‌ها بر اساس مقیاس ۱ تا ۹ ساعتی تعیین شد؛ به‌گونه‌ای که عدد ۱ بیانگر اهمیت برابر دو عامل و اعداد بالاتر نشان‌دهنده برتری نسبی یک عامل نسبت به عامل دیگر است.

در مرحله محاسبه اوزان، ماتریس مقایسات زوجی تشکیل‌شده نرمال‌سازی گردید؛ به این ترتیب که هر درایه بر مجموع مقادیر ستون مربوطه تقسیم شد. سپس میانگین مقادیر هر سطر به‌عنوان وزن نهایی هر عامل در نظر گرفته شد. این اوزان بیانگر میزان اهمیت نسبی عوامل شناسایی‌شده بوده و در ادامه برای تشکیل و تکمیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی[1] (*IFE*) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی[2] (*EFE*) مورد استفاده قرار گرفت.

به‌منظور اطمینان از اعتبار قضاوت‌های انجام‌شده توسط خبرگان، میزان سازگاری مقایسات زوجی از طریق محاسبه نسبت سازگاری[3] (*CR*) بررسی شد. مطابق معیار ارائه‌شده در تحلیل (*AHP*)، چنانچه مقدار *CR* کمتر از ۰/۱ باشد، سازگاری قابل قبول قضاوت‌ها تأیید می‌شود. در این پژوهش نیز مقدار نسبت سازگاری کمتر از حد مجاز به دست آمد که نشان‌دهنده قابلیت اتکای نتایج حاصل از مقایسات زوجی است.

در ادامه، عوامل داخلی و خارجی شناسایی‌شده در قالب ماتریس‌های *IFE* و *EFE* و بر اساس اوزان حاصل از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، بر اساس جدول (۳) توسط خبرگان ارزیابی شدند. نتایج این مرحله، مبنایی برای تعیین موقعیت راهبردی مرکز مبادله ارز و طلای ایران و ارائه پیشنهادهای سیاستی متناسب با شرایط داخلی و محیطی آن فراهم می‌کند.

جدول ۳. نحوه امتیازدهی در ماتریس *SWOT*

عوامل داخلی	عوامل خارجی	نمره‌دهی
قوت اساسی	فرصت اساسی	۴
قوت نسبی	فرصت نسبی	۳

1 Internal Factors Evaluation Matrix (IFE)

2 External Factors Evaluation Matrix (EFE)

3 Consistency Ratio (CR)

عوامل داخلی	عوامل خارجی	نمره‌دهی
ضعف نسبی	تهدید نسبی	۲
ضعف اساسی	تهدید اساسی	۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اگر جمع امتیاز نهایی عوامل داخلی در بازه عدد ۱ تا ۲/۵ قرار گیرد، بیانگر وجود ضعف و چنانچه در بازه عدد ۲/۵ تا ۴ قرار گیرد، مبین وجود قوت است؛ و از سوی دیگر نیز اگر جمع امتیاز نهایی عوامل خارجی در بازه عدد ۱ تا ۲/۵ قرار گیرد، بیانگر وجود تهدید و چنانچه در بازه عدد ۲/۵ تا ۴ قرار گیرد، مبین وجود فرصت است.

در ادامه، با هدف تکمیل فرآیند سیاست‌گذاری و اولویت‌دهی و راهبردهای فرعی از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (*QSPM*) استفاده می‌شود؛ با بهره‌گیری از این ماتریس، صاحب‌نظران خبره و متخصصان حوزه بر اساس میزان مطابقت هر یک از عوامل داخلی و خارجی با راهبرد مورد نظر، نمره جذابیت[1] اختصاص می‌دهند؛ سپس مجموع امتیاز نهایی هر راهبرد محاسبه می‌گردد. این فرآیند به شناسایی راهبردهای برتر و ارائه توصیه‌های سیاستی منسجم منتهی می‌شود. در تحلیل ماتریس *SWOT*، چهار دسته راهبرد کلان وجود دارد که هر کدام اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند:

۱) راهبردهای تهاجمی (*SO*): این دسته از راهبردها در شرایطی پیشنهاد می‌شوند که سازمان از قوت‌های درونی بالایی برخوردار است و هم‌زمان فرصت‌های محیطی مناسبی نیز در اختیار دارد. راهبردهای *SO* با بهره‌گیری حداکثری از منابع و توانمندی‌های داخلی به دنبال استفاده از فرصت‌های محیطی برای رشد، توسعه و تثبیت موقعیت رقابتی هستند.

۲) راهبردهای محافظه‌کارانه *(WO)*: در این حالت، سازمان با ضعف‌های داخلی مواجه است ولی فرصت‌هایی در محیط بیرونی وجود دارد. در چنین شرایطی باید راهبردهایی اتخاذ شود که با بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی، ضعف‌های درونی سازمان را کاهش دهد.

۳) راهبردهای مقابله‌ای *(ST)*: این راهبردها در شرایطی کاربرد دارند که سازمان دارای قوت‌های قابل اتکایی است؛ اما با تهدیدهای بیرونی مواجه است. در این موارد، باید از ظرفیت‌های داخلی برای مقابله یا خنثی‌سازی تهدیدات استفاده شود.

۴) راهبردهای تدافعی *(WT)*: این راهبردها در شرایطی مورد استفاده قرار

1 Attractiveness Score

می‌گیرند که هم ضعف‌های داخلی و هم تهدیدهای خارجی، سازمان را در و ضعیت آسیب‌پذیر قرار داده‌اند. در چنین مواردی، تمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری و مدیریت ریسک معطوف می‌شود.

در این پژوهش، با استفاده از تحلیل *SWOT* و ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی *(QSPM)* تلاش می‌شود تا راهبردهای مؤثر برای بهبود عملکرد مرکز مبادله ارز و طلای ایران استخراج و اولویت‌بندی شوند.

۳-۱. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی *(IFE)*:

بر ا ساس روش فراترکیب (م صاحبه با صاحب‌نظران خبره و متخ ص صان حوزه ارزی، پایش مقالات و سایت‌های علمی و ...) در مجموع ۷ نقطه قوت و ۹ نقطه ضعف برای مرکز مبادله ارز و طلای ایران شناسایی شد. همچنین مجموع امتیاز نهایی عوامل داخلی برابر با ۳/۰۷۸ به دست آمد که دلالت بر این موضوع دارد که نقاط قوت نسبی مرکز بر نقاط ضعف آن غلبه دارد.

"حمایت ساختاری بانک مرکزی"، "تمرکز بر نیازهای تجاری واقعی و واردات رسمی"، "وجود سازوکار شفاف معاملاتی" و ... از مهم‌ترین نقاط قوت این مرکز هستند. در مقابل، مهم‌ترین نقاط ضعف شامل "فقدان سازوکار تسویه مؤثر و امکان تأخیر در کارسازی به‌موقع وجوه" و "ضعف در فرهنگ‌سازی و اعتماد عمومی نسبت به مرجعیت قیمت‌ها" و ... است که موارد در جدول (۴) مشاهده می‌شود.

جدول ۴. نتایج تجزیه‌وتحلیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی *(IFE)*

ردیف	عناصر	قوت و ضعف	ضریب اهمیت	امتیاز	نمره نهایی
۱	پشتیبانی مستقیم از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی (اعتبار نهادی و حمایت ساختاری از سوی نهاد سیاست‌گذار پولی)	قوت	۰,۱۶۵	۴	۰/۶۶
۲	وجود سازوکار شفاف معاملاتی از طریق سامانه‌های رسمی	قوت	۰/۱۲۱۴	۴	۰/۴۸۵۶
۳	تمرکز بر نیازهای تجاری واقعی و واردات رسمی (اولویت‌دهی به نیازهای ارزی رسمی کشور)	قوت	۰/۱۴۳۵	۴	۰/۵۷۴

ردیف	عناصر	قوت و ضعف	ضریب اهمیت	امتیاز	نمره نهایی
۴	قابلیت قیمت‌گذاری مرجع برای بازار آزاد با اثرگذاری مثبت (ارائه نرخ‌های قابل استناد برای فعالان اقتصادی)	قوت	۰/۰۶۸۹	۳	۰/۲۰۵۷
۵	کاهش نقش بازار غیررسمی و سوداگری از طریق کشف نرخ واقعی (تلاش برای همگرایی میان بازار آزاد و رسمی)	قوت	۰/۰۷۷۸	۳	۰/۲۳۳۴
۶	ایجاد بازار رقابتی و افزایش نقدشوندگی	قوت	۰/۰۶۹۷	۳	۰/۲۰۹۱
۷	سهولت در دسترسی نهادهای وارداتی به منابع ارزی قانونی	قوت	۰/۰۹۵۱	۴	۰/۳۸۰۴
۸	فقدان ابزارهای پوشش ریسک ارزی	ضعف	۰/۰۳۵۲	۱	۰/۰۳۵۲
۹	عدم امکان معاملات ۲۴ ساعته	ضعف	۰/۰۱۲۲	۲	۰/۰۲۴۴
۱۰	محدودیت در تنوع ارزهای قابل معامله	ضعف	۰/۰۱۰۱	۲	۰/۰۲۰۲
۱۱	نوپا بودن مرکز و نیاز به زمان برای تثبیت جایگاه	ضعف	۰/۰۲۶۵	۱	۰/۰۲۶۵
۱۲	فقدان پیوستگی برخط اطلاعاتی با گمرگ، بانک‌ها و صرافی‌ها	ضعف	۰/۰۲۹۸	۱	۰/۰۲۹۸
۱۳	وجود مقررات دست و پاگیر برای عرضه‌کنندگان و خریداران ارز و طلا	ضعف	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۴۶
۱۴	ضعف در فرهنگ‌سازی و اعتماد عمومی نسبت به مرجعیت قیمت‌ها	ضعف	۰/۰۲۴۸	۲	۰/۰۴۹۶
۱۵	ضعف در پوشش کامل بازار آزاد ارزی	ضعف	۰/۰۲۸۸	۱	۰/۰۲۸۸
۱۶	فقدان سازوکار تسویه مؤثر و امکان تأخیر در کارسازی به‌موقع وجوه	ضعف	۰/۰۶۸۳	۱	۰/۰۶۸۳
مجموع			۱	۳۸	۳/۰۷۸

مأخذ: نتایج پژوهش

۳-۲. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی *(EFE)*:

بر اساس روش فراترکیب، در مجموع ۷ نقطه فرصت و ۷ نقطه تهدید برای مرکز مبادله ارز و طلای ایران احصاء شد. مجموع نمره نهایی عوامل خارجی برابر با ۲/۶۵۷ حاصل شد که این امر حاکی از آن است که فرصت‌های محیطی در مقایسه با تهدیدات، وزن و ظرفیت بالاتری دارند. از جمله مهم‌ترین فرصت‌ها می‌توان به

"افزایش نقش مرکز در سیاست‌گذاری پولی"، "جذب ارزهای صادراتی و منابع ایرانیان خارج از کشور" و "رشد تقاضای رسمی و قانونی برای معاملات ارز و طلا" و ... اشاره کرد. تهدیدهای اصلی نیز شامل "تحریم‌های بین‌المللی"، "ریسک فناوری و امنیت سایبری" و "فقدان پشتوانه عملیاتی قوی برای پاسخ به شوک‌های ارزی" و ... است که موارد در جدول (۵) منعکس شده است.

جدول ۵. نتایج تجزیه‌وتحلیل ماتریس ارزیابی عوامل خارجی *(EFE)*

ردیف	عناصر	قوت و ضعف	ضریب اهمیت	امتیاز	نمره نهایی
۱	تقویت روابط تجاری و ارزی با کشورهای منطقه‌ای و همسایه	فرصت	۰/۰۱۱۴	۳	۰/۰۳۴۲
۲	جذب ارز حاصل از صادرات و منابع ایرانیان خارج از کشور از طریق مکانیسم‌های رسمی	فرصت	۰/۱۲۷۶	۴	۰/۵۱۰۴
۳	توسعه معاملات طلا و سایر فلزات ارزشمند با پشتوانه ذخایر ملی و امکان جذب سرمایه‌های خرد	فرصت	۰/۰۵۰۳	۴	۰/۲۰۱۲
۴	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و پیاده‌سازی فناوری‌های نوین مالی (فین تک) در نظام ارزی کشور	فرصت	۰/۰۷۶	۴	۰/۳۰۴
۵	نقش‌آفرینی مرکز مبادله ارز و طلای ایران در سیاست‌گذاری‌های پولی	فرصت	۰/۱۵۹۲	۴	۰/۶۳۶۸
۶	رشد تقاضای رسمی و قانونی برای معاملات ارز و طلا	فرصت	۰/۰۸۱۵	۴	۰/۳۲۶
۷	فشار سیاست‌گذاران برای حذف بازار غیررسمی ارز	فرصت	۰/۰۵۴۲	۳	۰/۱۶۲۶
۸	ناهماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار	تهدید	۰/۰۲۱	۲	۰/۰۴۲
۹	نارضایتی صادرکنندگان یا واردکنندگان از نرخ‌گذاری	تهدید	۰/۰۲۹۱	۱	۰/۰۲۹۱
۱۰	تحریم‌های بین‌المللی و	تهدید	۰/۱۳۶۹	۱	۰/۱۳۶۹

ردیف	عناصر	قوت و ضعف	ضریب اهمیت	امتیاز	نمره نهایی
	محدودیت دسترسی به منابع ارزی خارج از کشور				
۱۱	نوسانات سیاسی و انتظارات تورمی	تهدید	۰/۰۴۴	۱	۰/۰۴۴
۱۲	وجود بازارهای موازی با نرخ‌های غیرهمگرا	تهدید	۰/۰۲۱۶	۲	۰/۰۴۳۲
۱۳	فقدان پشتوانه عملیاتی قوی برای پاسخ به شوک‌های ارزی	تهدید	۰/۰۶۷	۱	۰/۰۶۷
۱۴	ریسک فناوری و امنیت سایبری در سامانه‌های الکترونیک	تهدید	۰/۱۲۰۲	۱	۰/۱۲۰۲
مجموع			۱	۳۵	۲/۶۵۷

مأخذ: نتایج پژوهش

۳-۳. تعیین موقعیت راهبردی و استخراج گزینه‌های راهبردی

در ماتریس *SWOT* محور افقی مبین نقاط قوت و ضعف (ماتریس ارزیابی داخلی) و محور عمودی نشانگر نقاط فرصت و تهدید (ماتریس ارزیابی عوامل خارجی) است. بر مبنای نتایج حاصل از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی که در شکل (۳) نشان داده شده است، راهبردهای تهاجمی *(SO)* برای ارتقاء نقش مرکز مبادله ارز و طلای ایران در مدیریت نظام ارزی کشور انتخاب می‌شود. به این معنا که مرکز دارای توانمندی‌های داخلی و فرصت‌های محیطی مناسبی است و لازم است با بهره‌گیری حداکثری از این ظرفیت‌ها، راهبردهایی در جهت توسعه، تثبیت نقش و بهبود عملکرد آن اتخاذ گردد.

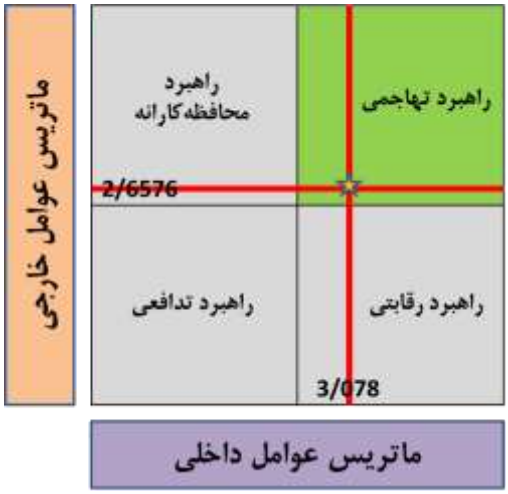

شکل ۳. خروجی ماتریس *SWOT*

در جدول (۶) نیز مجموعه‌ای از راهبردهای تهاجمی فرعی (*SO*) برای ارتقاء جایگاه مرکز مبادله ارز و طلای ایران در مدیریت بازار ارزی کشور ارائه شده است. باید توجه نمود که هر ۵ راهبرد فرعی از مجموعه راهبرد تهاجمی از اهمیت بالایی برخوردار هستند و به‌نوعی مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند.

جدول ۶. راهبردهای فرعی تهاجمی (*SO*)

ردیف	راهبرد
۱	توسعه سامانه‌های معاملاتی مبتنی بر فناوری‌های نوین فین تک (*FinTech*) و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال در جهت پوشش تقاضای منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف تسویه آنی
۲	طراحی سازوکارهای رسمی جذب ارز صادراتی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان خارج از کشور از طریق مشوق‌های هدفمند و تضمین شفافیت قیمتی
۳	تنوع‌بخشی به سبد معاملاتی از طریق توسعه معاملات طلا، فلزات گران‌بها و ارزهای منطقه‌ای از طریق توسعه دیپلماسی ارزی و با تکیه بر ذخایر ملی و پیمان‌های پولی دوجانبه
۴	استفاده از ظرفیت مرکز به‌عنوان بازوی عملیاتی سیاست‌های ارزی و پولی بانک مرکزی برای اعمال سیاست‌های تثبیتی و کنترل نوسانات بازار ارز
۵	ایجاد بازار مشتقه ارزی رسمی (*Future* و *Option*) برای مدیریت ریسک نوسان نرخ ارز

مأخذ: نتایج پژوهش

۳-۴. اولویت‌بندی راهبردهای تهاجمی (*so*)

بر اساس جدول (۷) راهبردهای تهاجمی *(SO)* برای مرکز مبادله ارز و طلای ایران بر اساس ماتریس کمی *QSPM* اولویت‌بندی شده است. همانگونه که در جدول (۷) مشاهده می‌شود؛ راهبرد شماره (۲) یعنی"طراحی سازوکارهای رسمی جذب ارز صادراتی و سرمایه‌های ارزی ایرانیان خارج از کشور از طریق مشوق‌های هدفمند و تضمین شفافیت قیمتی" با امتیاز (۶/۴۴۸) تحت عنوان بهترین راهبرد تهاجمی (*SO*) و با اولویت نخست انتخاب شده است.

همانگونه که مبرهن است؛ تقویت جریان ورودی ارز صادراتی مهم‌ترین ابزار پایدار برای افزایش عمق بازار رسمی و کاهش وابستگی به بازار آزاد است. ارز صادراتی ستون اصلی عرضه در بازار رسمی ارز محسوب می شود و هرگونه اصلاح ساختاری در نظام ارزی بدون سامان‌دهی این بخش ناقص و عبث خواهد بود. برای تحقق این هدف، لازم است فرآیندهای رفع تعهد ارزی ساده‌سازی و استانداردسازی شوند تا زمان و هزینه مبادله برای صادرکنندگان کاهش یابد. همچنین ارائه مشوق‌هایی مانند کاهش کارمزد، تخفیف‌های مالیاتی و امکان انتخاب روش‌های متنوع برای فروش ارز می‌تواند انگیزه عرضه ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران را تقویت نماید. توسعه زیرساخت‌های فناوری مرکز مبادله ارز و طلای ایران نظیر امکان ثبت لحظه‌ای کوتاژهای صادراتی، امکان معاملات شبانه‌روزی و تسویه لحظه‌ای و برخط نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در جذاب شدن بستر رسمی برای صادرکنندگان دارد. درنهایت، اتصال شفاف اظهارنامه‌های صادراتی به سامانه معاملاتی و کاهش عدم قطعیت مقرراتی، رفتار صادرکنندگان را به سمت عرضه منظم و قابل پیش‌بینی هدایت می‌کند و در نتیجه، ثبات ارزی و کارایی سیاست‌گذاری به شکل معناداری افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، ظرفیت ارزی ایرانیان خارج از کشور نیز یکی از مهم‌ترین منابع بالقوه برای تقویت عرضه ارز در بازار رسمی است؛ منبعی که می‌تواند تنوع‌بخشی قابل‌توجهی در ورودی‌های ارزی به کشور ایجاد نماید. برای فعال سازی این ظرفیت، ضروری است امکان افتتاح حساب‌های ارزی غیربومی و مدیریت کاملاً برخط دارایی‌ها بدون نیاز به حضور یا اقامت داخلی فراهم شود. ارائه نرخ‌ها و کارمزدهای رقابتی، اتصال مرکز به مسیرهای حواله معتبر بین‌المللی و همکاری با صرافی‌ها و کارگزاری‌های قانونی در کشورهای هدف، می‌تواند اعتماد و انگیزه تزریق ارز در سامانه مرکز مبادله ارز و طلای ایران را ارتقاء دهد.

افزون بر آن، تضمین قانونی «قابلیت خروج دوباره سرمایه ارزی» و رفع نگرانی‌های مرتبط با بلوکه شدن وجوه، شرط اساسی برای جذب منابع ارزی کلان و خرد ایرانیان خارج از کشور است. در کنار این اقدامات، استفاده از ابزارهای نوآورانه مانند کیف پول ارزی، اوراق مبتنی بر ارز و فناوری‌های دفتر کل توزیع شده[1] (*DLT*) می‌تواند ورود منابع خرد را تسهیل کرده و کانال رسمی انتقال ارز را جایگزین مسیرهای غیررسمی کند. با این حال، تحقق این ظرفیت صرفاً به ایجاد ابزارهای انتقال و سازوکارهای فنی محدود نمی شود؛ بلکه بیش از هر عامل دیگری به سطح اعتماد عمومی و پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصادی کشور وابسته است. نوسانات شدید نرخ ارز، نااطمینانی نسبت به سیاست‌های اقتصادی آینده و احتمال تغییرات پیش‌بینی‌نشده در مقررات ارزی، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند انگیزه ایرانیان خارج از کشور برای انتقال یا سرمایه‌گذاری منابع ارزی خود در داخل کشور را کاهش دهد.

بنابراین، ایجاد اطمینان نسبت به حفظ ارزش دارایی های ارزی و ثبات چارچوب‌های سیاستی، پیش شرط اساسی برای جذب این منابع محسوب می شود. همچنین، تضمین حقوق مالکیت، امکان دسترسی و انتقال مجدد سرمایه و کاهش ریسک‌های ناشی از تغییرات ناگهانی سیاستی، می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت ایرانیان خارج از کشور در تأمین منابع ارزی ایفا کند. با این حال، موفقیت این رویکرد درنهایت به توانایی سیاست‌گذار در کاهش نااطمینانی‌های اقتصاد کلان و ایجاد ثبات پایدار در بازار ارز وابسته خواهد بود.

1 Distributed Ledger Technology (DLT)

جدول۷. ماتریس کمی *QSPM* برای راهبردهای مرکز مبادله ارز و طلای ایران

انواع راهبردهای قابل اجرا											
عوامل	ضریب اهمیت	*SO1*		*SO2*		*SO3*		*SO4*		*SO5*	
		نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره	نمره جذابیت	ضریب نمره
نقاط قوت (*Strengths*)											
S1	۰/۱۶۵	۳	۰/۴۹۴	۴	۰/۶۵۹	۴	۰/۶۵۹	۴	۰/۶۵۹	۴	۰/۶۵۹
S2	۰/۱۲۱۴	۳	۰/۳۶۴	۴	۰/۴۸۵	۳	۰/۳۶۴	۳	۰/۳۶۴	۳	۰/۳۶۴
S3	۰/۱۴۳۵	۲	۰/۲۸۷	۳	۰/۴۳۰	۲	۰/۲۸۷	۳	۰/۴۳۰	۲	۰/۲۸۷
S4	۰/۰۶۸۹	۲	۰/۱۳۷	۳	۰/۲۰۶	۲	۰/۱۳۷	۳	۰/۲۰۶	۳	۰/۲۰۶
S5	۰/۰۷۷۸	۲	۰/۱۵۵	۳	۰/۲۳۳	۳	۰/۲۳۳	۳	۰/۲۳۳	۲	۰/۱۵۵
S6	۰/۰۶۹۷	۳	۰/۲۰۸	۴	۰/۲۷۸	۲	۰/۱۳۹	۲	۰/۱۳۹	۳	۰/۲۰۸
S7	۰/۰۹۵۱	۴	۰/۳۸	۴	۰/۳۸	۲	۰/۱۹	۴	۰/۳۸	۳	۰/۲۸۵
نقاط ضعف (*Weaknesses*)											
W1	۰/۰۳۵۲	۳	۰/۱۰۵	۲	۰/۰۷	۲	۰/۰۷	۲	۰/۰۷	۴	۰/۱۴
W2	۰/۰۱۲۲	۱	۰/۰۱۲	۳	۰/۰۳۶	۲	۰/۰۲۴	۱	۰/۰۱۲	۲	۰/۰۲۴
W3	۰/۰۱۰۱	۱	۰/۰۱	۳	۰/۰۳	۱	۰/۰۱	۲	۰/۰۲	۱	۰/۰۱
W4	۰/۰۲۶۵	۲	۰/۰۵۲	۳	۰/۰۷۹	۳	۰/۰۷۹	۳	۰/۰۷۹	۳	۰/۰۷۹
W5	۰/۰۲۹۸	۳	۰/۰۸۹	۲	۰/۰۵۹	۲	۰/۰۵۹	۳	۰/۰۸۹	۲	۰/۰۵۹

W6	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۴۵	۳	۰/۰۶۸	۳	۰/۰۶۸	۲	۰/۰۶۸	۲	۰/۰۴۵
W7	۰/۰۲۴۸	۱	۰/۰۲۴	۳	۰/۰۷۴	۲	۰/۰۴۹	۲	۰/۰۴۹	۲	۰/۰۴۹
W8	۰/۰۲۸۸	۱	۰/۰۲۸	۳	۰/۰۸۶	۱	۰/۰۲۸	۲	۰/۰۵۷	۲	۰/۰۵۷
W9	۰/۰۶۸۳	۳	۰/۲۰۴	۳	۰/۲۰۴	۳	۰/۲۰۴	۲	۰/۱۳۶	۱	۰/۰۶۸
فرصت‌ها (*Opportunities*)											
O1	۰/۰۱۱۴	۳	۰/۰۳۴	۴	۰/۰۴۵	۴	۰/۰۴۵	۳	۰/۰۳۴	۲	۰/۰۲۲
O2	۰/۱۲۷۶	۳	۰/۳۸۲	۴	۰/۵۱	۳	۰/۳۸۲	۲	۰/۲۵۵	۳	۰/۳۸۲
O3	۰/۰۵۰۳	۳	۰/۱۵	۳	۰/۱۵	۴	۰/۲۰۱	۳	۰/۱۵	۳	۰/۱۵
O4	۰/۰۷۶۰	۴	۰/۳۰۳	۳	۰/۲۲۷	۳	۰/۲۲۷	۳	۰/۲۲۷	۴	۰/۳۰۳
O5	۰/۱۵۹۲	۳	۰/۴۷۷	۴	۰/۶۳۶	۳	۰/۴۷۷	۴	۰/۶۳۶	۳	۰/۴۷۷
O6	۰/۰۸۱۵	۳	۰/۲۴۴	۴	۰/۳۲۶	۳	۰/۲۴۴	۳	۰/۲۴۴	۳	۰/۲۴۴
O7	۰/۰۵۴۲	۳	۰/۱۶۲	۳	۰/۱۶۲	۳	۰/۱۶۲	۳	۰/۱۶۲	۲	۰/۱۰۸
تهدید (*Threats*)											
T1	۰/۰۲۱۰	۱	۰/۰۲۱	۳	۰/۰۶۳	۲	۰/۰۴۲	۳	۰/۰۶۳	۱	۰/۰۲۱
T2	۰/۰۲۹۱	۲	۰/۰۵۸	۴	۰/۱۱۶	۱	۰/۰۲۹	۳	۰/۰۸۷	۳	۰/۰۸۷
T3	۰/۱۳۶۹	۳	۰/۴۱	۴	۰/۵۴۷	۳	۰/۴۱	۲	۰/۲۷۳	۳	۰/۴۱
T4	۰/۰۴۴	۱	۰/۰۴۴	۲	۰/۰۸۸	۳	۰/۱۳۲	۲	۰/۰۸۸	۳	۰/۱۳۲
T5	۰/۰۲۱۶	۲	۰/۰۴۳	۲	۰/۰۴۳	۲	۰/۰۴۳	۳	۰/۰۶۴	۱	۰/۰۲۱
T6	۰/۰۶۷	۳	۰/۲۰۱	۲	۰/۱۳۴	۱	۰/۰۶۷	۳	۰/۲۰۱	۲	۰/۱۳۴

T7	۰/۱۲۰۲	۳	۰/۰۳۶	۲	۰/۰۲۴	۱	۰/۰۱۲	۱	۰/۰۱۲	۴	۰/۰۴۸
جمع کل امتیاز	❊	❊	۵/۱۵۹	❊	۶/۴۴۸	❊	۵/۰۷۳	❊	۵/۴۸۷	❊	۵/۲۳۴
اولویت	❊	❊	۴	❊	۱	❊	۵	❊	۲	❊	۳

مأخذ: نتایج پژوهش

نتیجه‌گیری

نظام بانکی ایران در سال‌های اخیر به‌شدت تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های ارزی، تحریم‌های بین‌المللی، ناهماهنگی‌های بین نهادی و ضعف در ابزارهای سیاست‌گذاری قرار داشته است. نوسانات مکرر نرخ ارز، وجود بازارهای غیررسمی، تعدد نرخ‌های مبادلاتی و محدودیت‌های ساختاری در تخصیص بهینه منابع ارزی، پیامدهایی مخربی برای اقتصاد کشور به دنبال داشته است. در این شرایط، طراحی و استقرار سازوکارهای رسمی، فناورمحور و شفاف برای ساماندهی بازار ارز، ضرورتی راهبردی برای ارتقاء تاب‌آوری مالی کشور محسوب می‌شد. طبق گزارش بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی و صندوق بین‌المللی پول، راه‌اندازی سامانه‌های رسمی معاملات ارز، با نمایش عمق بازار و شفافیت در اعلام اطلاعات لحظه‌ای، نه‌تنها هزینه مبادلات ارزی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان کشف قیمت عادلانه‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت را نیز فراهم می‌آورد. راه‌اندازی سامانه‌های رسمی و متمرکز با نمایش عمق بازار و شفافیت در اعلام اطلاعات لحظه‌ای، سبب کاهش هزینه مبادلات ارزی و کشف قیمت‌های ارز به‌صورت عادلانه‌تر می‌شود.

از همین رو، مرکز مبادله ارز و طلای ایران در پاسخ به چالش‌های موجود و پیشنهادهای پژوهشگران و سیاست‌گذاران، به‌عنوان یک نهاد نوآور در ساختار سیاست‌گذاری ارزی از سال ۱۴۰۱ آغاز به کار نمود و هدف آن مدیریت نوسانات نرخ ارز، کاهش فعالیت بازار غیررسمی ارز، سهولت در تخصیص ارز به نیازهای واقعی اقتصاد کشور و ... بود. کارکرد اصلی این مرکز، کشف قیمت ارز و طلا بر مبنای سازوکار عرضه و تقاضا در بستری شفاف و قابل رصد است؛ سازوکاری که ضمن پاسخ به تقاضای رسمی واردکنندگان و متقاضیان ارز خدماتی، درصدد آن است که نرخ‌های بازار را از رفتارهای هیجانی و انتظاری مصون ساخته و به سمت تعادل واقعی و منطقی سوق دهد. شواهد و قرائن مؤید آن است که مرکز مبادله ارز و طلای ایران در همین مدت کوتاهی که از تأسیس آن می‌گذرد؛ توانسته است که وابستگی فضای معاملاتی به نرخ‌های غیررسمی را کاهش و شفافیت قیمتی ارز را افزایش دهد؛ انحرافات ناشی از چندنرخی بودن ارز را محدود و نوسانات روزانه بازار ارز را تا حد زیادی تعدیل نماید. این مرکز را می‌توان نمونه‌ای داخلی از همان الگویی دانست که در گزارش صندوق بین‌المللی پول بر اهمیت آن تأکید شده است؛ ولی با این حال عرضه ارز در این مرکز هنوز ساختارمند و پایدار نبوده و عمق بازار نیازمند تقویت

بیشتر است. فقدان پیوستگی برخط اطلاعاتی این مرکز با گمرگ، بانک‌ها و صرافی‌ها نیز یکی از ضعف‌هایی است که نیاز به توجه و بهبود از سوی سیاست‌گذاران دارد.

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که مرکز مبادله ارز و طلای ایران در وضعیت راهبردی مطلوبی از نوع تهاجمی *(SO)* قرار دارد. به‌گونه‌ای که می‌توان با تکیه بر نقاط قوت نهادی و بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی، به تثبیت جایگاه این مرکز در سیاست‌گذاری کلان کمک نمود. به‌منظور شناسایی اولویت‌های راهبردی، از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی *(QSPM)* استفاده شد. نتایج نشان داد در میان راهبردهای تهاجمی *(SO)*، راهبرد "طراحی سازوکارهای رسمی برای جذب ارز صادراتی و سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور" با بالاترین امتیاز جذابیت، به‌عنوان مؤثرترین گزینه برگزیده شد. این راهبرد با افزایش عرضه ارز، کاهش اتکای فعالان به بازارهای غیررسمی و ارتقای شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، می‌تواند به محور ثبات‌بخشی در معماری سیاست ارزی تبدیل شود.

پس از آن راهبردهای "استفاده از مرکز به‌عنوان بازوی عملیاتی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی" و "ایجاد و گسترش بازار مشتقه ارزی رسمی (آتی و اختیار) با هدف مدیریت ریسک نوسان نرخ ارز" در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

"توسعه زیرساخت‌های دیجیتال معاملاتی مبتنی بر فین‌تک *(FinTech)*" و "تنوع‌بخشی به سبد معاملات طلا، ارزهای منطقه‌ای و فلزات گران‌بها" نیز به‌عنوان راهبردهای مکمل و بلندمدت پیشنهاد شده‌اند که پیشبرد آن‌ها می‌تواند در تثبیت نقش مرکز به‌عنوان نهاد مرجع ارزی کشور مؤثر باشند.

پیشنهادهای سیاستی

با توجه به راهبرد منتخب، پیشنهاد می‌شود مرکز مبادله در مسیر ایجاد یک سازوکار رسمی و پایدار برای جذب منابع ارزی صادرکنندگان و ایرانیان خارج از کشور گام بردارد. نخستین عنصر این راهبرد، طراحی مشوق‌های هدفمند از جمله ارائه نرخ‌های رقابتی و شفاف، کاهش هزینه‌های کارمزدی، تسهیل بازگشت ارز صادراتی و پیاده‌سازی ابزارهای جذاب سرمایه‌گذاری است. مشوق‌های مزبور زمانی اثربخش خواهند بود که بر پایه یک چارچوب شفافیت قیمتی استوار باشند؛ بدین معنا که نرخ‌ها، حجم معاملات و جریان‌های عرضه و تقاضا به صورت دقیق، رسمی و منظم منتشر شوند.

گام دوم، تقویت اعتماد و امنیت تراکنش‌ها است. ایرانیان خارج از کشور زمانی از

کانال‌های رسمی استفاده می‌کنند که از ثبات مقررات، امنیت داده‌ها، سرعت انتقال و قابلیت پیگیری تراکنش‌ها، اطمینان لازم را حاصل نمایند. در این مسیر، ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال، استانداردسازی سامانه‌ها و اتصال درگاه‌های پرداخت مرکز به شبکه‌های پرداخت برون‌مرزی اهمیت اساسی دارد.

در گام سوم، ایجاد هماهنگی نهادی میان نهادهای متولی نظیر بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور، وزارت صمت و نهادهای گمرکی حائز اهمیت است. هم‌سویی و سازگاری سیاست‌ها و نیز حذف یا کاهش مقررات متعارض، می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های معاملاتی، زمینه افزایش عرضه ارز در کانال‌های رسمی را نیز فراهم می‌سازد. در کنار آن، توسعه ابزارهای مالی پوشش ریسک نظیر سلف ارزی، سوآپ ریالی_ارزی و پیاده‌سازی صندوق‌های ارزی، می‌تواند جذابیت ورود ارز به مرکز مبادله ارز و طلای ایران را برای فعالان اقتصادی افزایش دهد.

درنهایت، اجرای موفق این راهبرد مستلزم آن است که مرکز مبادله ارز و طلای ایران به‌عنوان بازوی اجرایی بانک مرکزی، برای ایفای نقش بلندمدت و پایدار از یک «سکوی معاملاتی» به یک «پلتفرم جامع سیاست‌گذاری بانک مرکزی» تکامل یابد؛ پلتفرمی که مبتنی بر تحلیل داده، پیش‌بینی روندها و بازخورد سریع به تحولات بازار، سنجش و مدیریت ریسک و پایش رفتارهای مشکوک باشد. تحقق این تحول، ضمن افزایش عمق بازار رسمی، توانایی کشور در مدیریت شوک‌های ارزی و ثبات اقتصادی را به‌طور قابل‌توجهی ارتقاء خواهد داد.

فهرست منابع

باقرپور ا سکویی، الناز. (۱۴۰۲). دلالت‌های و ضعیت منابع و م صارف ارزی ک شور بر امنیت اقتصـادی؛ ماهنامه علمی «امنیت اقتصـادی»، ۱۱(۹) (پیاپی ۱۱۶)، ۲۹-۴۴.

باقری، محمدمهدی، قزلباش، محمد، همایون، علی و مرادخانی، محمدر ضا. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی سازوکارهای مدیریت بازار ارز با استفاده از روش فراترکیب و تبیین پیامدهای آن؛ راهبرد اقتصادی، ۱۲(۳)، (پیاپی ۴۶)، ۳۸۵-۴۲۸.

توکلیان، ح سن و توکلیان، ح سین. (۱۳۹۵). برر سی علل نو سان ارزی، تبیین نظام ارزی و راهکارهای مناســب جهت مدیریت منابع و مصــارف ارزی (با تأکید بر شرایط تحریم‌های اقتصادی ایران)؛ فصلنامه اقتصاد دفاع، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، گروه منابع و اقتصاد دفاع، ۱(۱) ، ۴۱-۷۱.

سیدی، سیدمحمدر ضا، دانایی‌فرد، ح سن، گنجعلی، ا سدالله و خائف الهی، احمدعلی (۱۳۹۸). شــناخت شــرایط مؤثر محیطی در ارزیابی عملکرد وزیران با روش فراترکیب؛ چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۰ (۲)، ۷۱-۹۳.

کاوه بهرامی، محمد، وزیری، ســید ابوالفضــل و صــادقی شــاهدانی، مهدی. (۱۴۰۳). راهبرد توســعه فناوری‌های نوظهور در صــنعت بیمه با اســتفاده از پول دیجیتال بانک مرکزی؛ راهبرد اقتصادی، ۱۳(۱) (پیاپی ۴۸)، ۵۷-۸۸.

گرشــاســبی، علیرضــا. (۱۳۹۴). نقش مرکز مبادلات ارزی در مدیریت آثار تحریم در بخش واردات. بررسی‌های بازرگانی، ۷۰، ۱-۱۴.

معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای ا سلامی. (۱۳۹۷). تحلیلی بر و ضعیت بازار ارز: بررسی اقدامات دولت و ارائه پیشنهادهای تکمیلی.

Bacchetta, P. & Van Wincoop, E. (2006). Can Information Explain the Exchange Rate Disconnect Puzzle? American Economic Review.

Bernroider, E. (2011). Factors in SWOT Analysis Applied to Micro, Small-toMedium, and Large Software Enterprises: An Austrian Study. European Management Journal, Vol.20, No.5, 562-573.

BIS (2021). Market Microstructure: Liquidity, Transparency & Resilience.

BIS (2022). Triennial Central Bank Survey.

Evans, M. & Lyons, R. (2002). Order Flow and Exchange Rate Dynamics. Journal of Political Economy.

IMF (2023). Exchange Rate Arrangements and FX Market Developments.

King, M. Osler, C. & Rime, D. (2013). Foreign Exchange Market Microstructure. In Handbook of Finance.

Krugman, P. R. & Obstfeld, M. (2018). International economics: Theory and

policy (11th ed.). Pearson.
Mishkin, F. S. (2021). The economics of money, banking, and financial markets (12th ed.). Pearson.
Obstfeld, M. & Rogoff, K. (2005). The unsustainable US current account position revisited. NBER Working Paper No. 10869.
Osler, C. (2003). Currency Orders and Exchange-Rate Dynamics. Journal of Finance.